

فهرست

عنوان	
صفحه	
1	مقدمه
2	بخش اول: تجربیات عمومی همه رشته‌ها
8	بخش دوم: تجربیات داوطلبان گروه علوم انسانی
9	زبان‌شناسی
9	مجموعه علوم ارتباطات
10	مجموعه تاریخ
10	اقلیم‌شناسی
10	حسابداری
14	مدیریت مالی
14	حقوق خصوصی
15	حقوق عمومی
16	حقوق بین‌الملل عمومی
16	حقوق جزا
18	روانشناسی تربیتی
18	روانشناسی عمومی
21	روانشناسی سلامت
21	روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی
22	زبان و ادبیات انگلیسی
22	آموزش زبان انگلیسی
24	مجموعه جامعه‌شناسی
25	مجموعه علوم سیاسی
26	روابط بین‌الملل
27	محیط زیست
27	مدیریت
28	مدیریت بازرگانی - مدیریت بازاریابی
29	مدیریت دولتی
34	مدیریت صنعتی
35	کارآفرینی
36	مشاوره
37	بخش سوم: تجربیات داوطلبان گروه علوم پایه
38	ریاضی
40	زمین‌شناسی
40	زیست‌شناسی - سلولی مولکولی
40	میکروبیولوژی
41	شیمی آلی
42	شیمی تجزیه
44	فیزیک

45	بخش چهارم: تجربیات داوطلبان گروه فنی و مهندسی
46	مهندسی برق
48	مهندسی شیمی
49	مهندسی صنایع
51	مهندسی عمران - سازه
52	مهندسی عمران - مهندسی و مدیریت ساخت
52	مهندسی عمران - ژئوتکنیک
52	مجموعه مهندسی کامپیوتر
54	مهندسی محیط زیست
55	مهندسی مکانیک - طراحی جامدات کاربردی
55	مهندسی مکانیک - تبدیل انرژی
56	بخش پنجم: تجربیات داوطلبان گروه کشاورزی
57	زراعت
57	علوم و صنایع غذایی
58	بخش ششم: تجربیات داوطلبان گروه هنر
59	شهرسازی
60	بخش هفتم: تجربیات داوطلبان گروه دامپزشکی
61	بهداشت مواد غذایی

کالج پروژه

www.collegeprozheh.ir

مقدمه

خدای را شاکریم که توانستیم جلد دوم کتاب تجربیات مصاحبه داوطلبان دکتری دانشگاه آزاد اسلامی را در اختیار کاربران عزیز قرار دهیم.

کتاب پیش رو حاصل جمع‌آوری، پالایش و تدوین تجربیات جلسات مصاحبه داوطلبان عزیز آزمون دکتری تخصصی ۱۳۹۴ دانشگاه آزاد اسلامی است.

در تدوین کتاب تلاش کردہ‌ایم تا حد امکان مطالب به صورت چکیده و پرمغز ارائه گردد به گونه‌ای که تمام مطالب خواندنی و آموزنده باشد.

بخش اول کتاب تجربیات عمومی داوطلبان را دربرگرفته است که مطالعه آن به همه داوطلبان عزیز توصیه می‌گردد. هر یک از بخش‌های بعدی کتاب نیز به یکی از گروه‌های آزمایشی کنکور دکتری دانشگاه آزاد اسلامی اختصاص یافته است. اما چکیده بودن و شیرینی تجربیات مطرح شده، آن‌ها را برای تمام داوطلبان خواندنی نموده است، چرا که خواندن تمام صفحات کتاب، زمینه آشنایی با موقعیت‌های مختلف در جلسات مصاحبه را فراهم خواهد ساخت.
این کتاب در واقع هدیه‌ای است از داوطلبان آزمون سال گذشته به داوطلبان سال جاری، که ما به رسم امانتداری آن را تقدیم کاربران عزیز کردہ‌ایم. امیدواریم شما نیز با درج تجربیات گران‌قدر خود، در روش ساختن راه داوطلبان آزمون سال بعد و ایجاد فرصت‌های برابر در سنجش و ارزیابی متقارضیان ورود به دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی گامی ارزشمند بردارید.
در پایان ضمن تشکر از همراهی شما خواهشمندیم در صورت رضایت از محتوای کتاب تجربیات مصاحبه دکتری آزاد، آن را به دیگر داوطلبان این آزمون ارسال فرمایید تا ضمن یاری ما در اطلاع‌رسانی بهتر، زمینه استفاده بیشتر هموطنان عزیزمان فراهم گردد.

بخش اول:

تجربیات عمومی

همه رشته‌ها

نحوه نمره‌دهی مصاحبه



- نمره مصاحبه از صد امتیاز است. پژوهشی 40 امتیاز دارد، بقیه فاکتورها (معدل، مصاحبه علمی، کیفیت دانشگاه قبلی، منش در گفتار و برخورد زبان و ... در مجموع 60 امتیاز)

- تأثیر معدل و پایان نامه در امتیاز مصاحبه برای همه رشته‌ها یکسان نیست. در مجموع به نظر می‌رسد رویه ثابت امتیازدهی وجود ندارد.

ISI معتبر هر مورد 5 امتیاز، حداکثر 10 امتیاز
علمی-پژوهشی، تخصصی و بین‌المللی غیر ISI هر مورد 2 تا حداکثر 5 امتیاز
همایش‌های داخلی و خارجی معتبر هر مورد 1 امتیاز، تا سقف 3 امتیاز
تألیف و ترجمه 5 امتیاز
مدرک زبان معتبر 3 امتیاز
افتخارات ملی، دانشجوی نمونه کشوری اختراع و ... 3 امتیاز
محری و یا همکاری در طرح‌های پژوهشی و اجرایی 3 امتیاز
رتبه اول تا سوم آزمون ورودی و رتبه اولی فارغ‌التحصیلی ارشد 5 امتیاز
کیفیت دانشگاه ارشد 5 امتیاز
معدل کارشناسی و کارشناسی ارشد 5 امتیاز
عضویت در بنیاد نخبگان و دفاتر استعداد درخشان 3 امتیاز
ارزیابی کلی گروه مصاحبه‌کننده 20 امتیاز
نمره مصاحبه در کل از 70 امتیاز

نحوه امتیازبندی دکتری بدون آزمون



- این که در بدون آزمون ملاک فقط مصاحبه هست، چون آزمون کتبی وجود نداشته اشتباه است. در بدون آزمون به این صورت نمره‌گذاری می‌شود: 50% معدل کارشناسی ارشد و نمره پایان‌نامه و 50% نمره کسب شده از مصاحبه.
50% نمره مصاحبه هم 100 نمره دارد که 30 نمره بستگی به نظر اساتید در مورد شخصیت و متناسب هست و مابقی نمرات بین دروس و کارهای پژوهشی، مدرک زبان و داشتن گواهی رتبه اولی تقسیم می‌شود که هر کدام جداگانه فقط امتیاز خاص خود را

دارد. یعنی این گونه نیست که هر کس کار پژوهشی نداشته باشد یا زبانش ضعیف باشد، حتماً با مشکل رو برو می‌شود! هر یک از این‌ها جدایگانه امتیازدهی می‌شوند.

سهم نمره مصاحبه در پذیرش نهایی

- نمره نهایی هر داوطلب، مجموع نمره کتبی ضرب در 75% و نمره مصاحبه ضرب در 25% است.

مدارک لازم جهت مصاحبه

- لازم است مدارک زیر را برای مصاحبه آماده کنید:

- اصل پایان‌نامه

- ریزنمرات ارشد (لازم نیست تأییدشده باشد و مهر و امضا داشته باشد)

- مدرک کارشناسی ارشد

- اصل یا کپی برابر اصل مدرک کارشناسی

- کارنامه قبولی در آزمون کتبی

- همه سوابق پژوهشی همراه با مستندات

- توصیه‌نامه استاد راهنمای پایان‌نامه کارشناسی ارشد

- یک رزومه حداکثر دو صفحه‌ای

- مدرک زبان اگر داشتید.

* برای مصاحبه با آزمون پرداخت وجه لازم نیست.

- حداقل یک توصیه‌نامه از استاد راهنمای خود داشته باشد.

رزومه انگلیسی ضروری نیست، ولی معرفی خود را به زبان انگلیسی حفظ باشید.

هر نوع سابقه پژوهشی و آموزشی و عضویت را همراه با مستندات همراه داشته باشید.

کارنامه کتبی قبولی خود را حتماً همراه داشته باشید.

از تمامی مدارکتان یک سری کپی همراه ببرید.

- لازم نیست ریزنمرات تأییدشده باشد و مهر داشته باشد. ریزنمرات غیررسمی کفايت می کند. ضمناً ریزنمرات مقطع ارشد کفايت می کند.
- لازم است پرینت کارنامه آزمون را در روز مصاحبه همراه خود داشته باشید. جزو مدارک از شما تحويل می گیرند.
- مقالهها را ممکن است به طور کامل بررسی نکنند، اما پرینت همه صفحاتشان را داشته باشید، چون از خیلی ها که نداشتند می خواستند پرینت تهیه کنند.
- نیازی نیست نسخه پایان نامه امضا و نمره داشته باشد. اما ممکن است نمره پایان نامه مورد سؤال قرار گیرد.

سنجر اعتماد به نفس در مصاحبه

- اصلاً نگران نباشید. توی سالن همه نگران بودنده، اما اصلاً استرس و نگرانی نداشت. اگر استاد داوطلبان را زیر سؤال می بردند، می خواهند قدرت تکلم و دفاع آنها را بسنجند. خونسرد باشید اگر سؤالی پرسیدند و بلد نبودید، درمورد موضوعی در ارتباط با آن مبحث صحبت کنید و اجازه ندهید کامل محکوم بشوید و حتی نتوانید قدرت تکلم خود را به رخ بکشید.

نحوه کسب آمادگی برای سوالات مصاحبه

- یک متن معرفی انگلیسی آماده کنید و آن را حفظ کنید.
بر روی چکیده انگلیسی پایان نامه خود کار کنید.
پایان نامه تان را مطالعه کنید و به روش ها و هدف ها و فرضیاتش مسلط باشید.
روی هدفتان از ادامه تحصیل متمرکز بشوید تا برای مصاحبه حرفی برای گفتن داشته باشید.

- مقالاتی به زبان انگلیسی در رشته خود پیدا کنید و روخوانی تمرین کنید و معنی اصطلاحات تخصصی را به خاطر بسپرید.
متن معرفی انگلیسی آماده و حفظ کنید.
به چکیده انگلیسی پایان نامه خود مسلط باشید.

رشته غیرمرتبط مقطع کارشناسی

- نگران رشته نامرتبط مقطع لیسانس نباشید. فقط ممکن است بپرسند که چه خوانده‌اید، ملاک مقطع ارشد است.

نحوه معرفی انگلیسی در جلسه مصاحبه

Sample Brief Introduction for PhD Interview:

Hi,....

Thank you for giving me this opportunity to introduce myself.

I hope I can make a good performance today. Please allow me introduce myself briefly.

my name is I am ... years old, born in

I received my bachelors degree in I was graduated from..... college of University of in My major is I completed my master's degree in at University of in with a dissertation on under the supervision of Prof. and I'm interested in research and development I published some articles in journals. I try to spend most of my time on study and research.

My purpose for pursuing a Ph.D in is to expand my knowledge of theory and research methods pertaining to this field of study and improve my qualifications and skills for conducting more advanced researches and projects My primary research interests include:

.....

After graduation, I would like to pursue an academic career and continue to do research...

That's all.

Thank you for giving me the chance

اعتبار مدرک زبان

- قانوناً شما باید تا قبل از امتحان جامع مدرک زبان ارائه دهید که می‌تواند از زمان مصاحبه تا چند روز قبل از امتحان جامع (طبق نظر دانشگاه) باشد، یعنی کافی است در زمان ارائه مدرک زبان، مدرک‌دان اعتبار داشته باشد. داشتن مدرک زبان در مصاحبه اجباری نیست و فقط امتیاز مثبت دارد. اما اگر داشته باشید، هم امتیاز می‌گیرید و هم دیگر برای امتحان جامع نیازی به ارائه مدرک زبان نیست.

نکات مهم مصاحبه

- خلاصه‌ای از موارد مهمی که باید در مصاحبه مدنظر شما باشد:
- 1- روی پایان نامه مقطع ارشد کاملاً مسلط باشید، حتی ممکن است از منابعی که در پایان نامه استفاده شده سؤال شود، از نویسنده‌گان مقالات مورد استفاده و
 - 2- زبان ممکن است بخش مهمی از مصاحبه شما باشد. بدین صورت که یک کتاب تخصصی به شما می‌دهند و از شما می‌خواهند یک بخش مشخص و یا یک بخش به انتخاب خودتان را بخوانید و مفهومش را بیان کنید. همچنین ممکن است لغات و اصطلاحات انگلیسی پرسیده شود. معرفی خودتان به انگلیسی و توضیحاتی در رابطه با پایان نامه به انگلیسی که احتمالاً در حد چکیده پایان نامه و روش تحقیق و بخش‌های مهم است، نیز ممکن است سؤال شود.
 - 3- ممکن است اساتید از شما سؤال کنند که می‌خواهید درباره چه موضوعی کار کنید. بنابراین از قبل به مبحثی که به خوبی بر آن مسلط هستید فکر کنید و در صورت لزوم مطالعه بیشتری نیز داشته باشید.
 - 4- برای رساله دکتری خود، برنامه و موضوع داشته باشید. ممکن است در این رابطه از شما سؤالاتی پرسیده شود.
 - 5- اعتمادبه نفس داشته باشید، اما طوری نباشید که اساتید فکر کنند دچار غرور و خودبینی هستید. در عین داشتن اعتمادبه نفس، متواضع باشید.

- یادتان باشد شما وارد دوره‌ای خواهید شد که باید به چند نفر داوری که با دقت شما را ارزیابی می‌کنند، ثابت کنید استحقاقی ورود به دوره دکتری را دارید. پس سنجیده عمل کنید، ظاهر مرتب و ساده، کلام آرام و بدون دستپاچگی. اطلاعات خودتان را درباره پایان نامه کارشناسی ارشدتان بالا ببرید. معمولاً سؤالاتی از پایان نامه مطرح می‌شود. اما وارد جزئیات نمی‌شوند.

ممکن است تا نوبت شما بر سرد زمان طولانی شود. آرامش داشته باشید. سعی کنید خورد و خوراک و استراحت خوب داشته باشید تا در موقع ورود به دلیل خستگی شیرازه کار از دستتان خارج نشود. اطلاعات خود را تا حد امکان درباره رشته خود به روز کنید. یکی دو مقاله جدید بخوانید کفایت می‌کند.

زمان انجام مصاحبه

- اگر شهرستانی هستید و باید زودتر به شهر خود برگردید و یا مشکل دیگری با زمان انجام مصاحبه دارید، می‌توانید زودتر در محل مصاحبه حاضر شوید. معمولاً با شما همکاری می‌کنند و زودتر مصاحبه می‌گیرند.

بخش دوم:

تجربیات داوطلبان

گروه علوم انسانی

زبان‌شناسی

- جلسه خوبی بود. دکتر منشی‌زاده، آقاگل‌زاده، بهرام مدرسی و دو تا خانم بودند که من نمی‌شناختم. خانم‌ها مدارک را چک کردند و دکتر آقاگل‌زاده در مورد دانشگاه محل تحصیل، رتبه و کتاب‌هایی که در مقطع ارشد خوانده بودیم پرسید. دکتر مدرسی از نحو پرسید و جالب بود که دکتر منشی‌زاده سؤال نحو را جواب داد و خنده‌داشت. اصلاً برخورد بدی نداشتند، نگران نباشد اصلاً سخت نیست. در مورد پایان‌نامه من چون زبان‌شناسی رایانشی بود، هیچ سؤالی نپرسیدند، فقط به اسم استاد راهنمای و مشاور توجه کردند. در ضمن دیروز و امروز کلاً ۷ نفر غایب بودند.

- در کل مصاحبه‌کننده‌ها خوب بودند. با این که سایرین می‌گفتند آقای دکتر منشی‌زاده سختگیر است، به نظر من استاد عالی و خوبی بودند. اما من این سیستم که شش استاد به صورت شفاهی سؤال علمی می‌پرسیدند را نمی‌پسندم، چون واقعاً آدم هول می‌شد.

- اسامی توسط شخصی که ابتدای راهروی اختصاصی زبان‌شناسی و چند رشته دیگر نشسته بود، خوانده می‌شد و هر رشته، اتفاق انتظار و مصاحبه جداگانه داشت. در اتفاق ۱۲ نفرمنتظر بودیم که به‌طور متوسط مصاحبه‌ها ۱۰ دقیقه‌ای طول می‌کشید. از من دانشگاه محل تحصیل، معدل و رتبه را پرسیدند. کپی تمام مدارک کافی بود و نیازی به اصل نبود. بعد افتخارات علمی و مقالات را پرسیدند و امتیاز دادند. ترجمه و تأثیر را هم خواستند که نداشتم. بعد استادید دیگر راجع به موضوع مقاله‌ام پرسیدند که همراه با مثال توضیح دادم. در نهایت هم به موضوع مقاله ایراد گرفتند. مدرک زبان را هم خواستند که داشتم. مشکل فقط این بود که دو نفر استادید خانم که فقط به رزومه امتیاز می‌دادند هنین سؤال و جواب سه استاد دیگر، راجع به رزومه می‌پرسیدند که نمی‌دانستم باید جواب کدام را بدهم. استادید محترم آقایان منشی‌زاده (که سؤالات سخت می‌پرسیدند و با هیچ جوابی قانع نمی‌شدند)، آقاگل‌زاده، بهرام مدرسی و دو نفر استاد خانم بودند که نمی‌شناختم. مصاحبه ۱۰ دقیقه طول کشید و در کل راضی بودم.

- سؤال کردن خانم‌ها و دکتر آقاگل‌زاده فضای مصاحبه را آشفته کرده بود.

- سؤالات درسی راجع به صرف بود، مثلاً انواع تکرار، راجع به افزوده در نحو.

مجموعه علوم ارتباطات

- دکتر سلطانی‌فر و دکتر فرهنگی جزو استادید مصاحبه‌کننده بودند.

مجموعه تاریخ

- فضای مصاحبه امسال خیلی بهتر از پارسال بود. مدارک را مثل مقاله، کتاب و ... با دقت می‌دیدند و نمره می‌گذاشتند. بیشتر سؤال‌ها از پایان‌نامه بود. عربی هم یک متن تاریخی و چند آیه از قرآن باید می‌خواندیم و ترجمه می‌کردیم. زبان هم یک قسمت از پایان‌نامه را باید ترجمه می‌کردیم.

اقلیم‌شناسی

- مصاحبه 3 دقیقه طول کشید. فقط مقاله‌هایم را نگاه کردند. سؤالی از پایان‌نامه و مقالاتم مطرح نشد. فقط معادل انگلیسی سه تا واژه فارسی را سؤال کردند و پرسیدند که برای رساله روی چه موضوعی می‌خواهم کار کنم، من فقط عنوان را گفتم که کفايت می‌کرد. به نظر من رفتار اساتید و نوع سؤالات بستگی به رتبه داشت.

حسابداری

- مصاحبه‌گران من دکتر یعقوب‌نژاد، بنی‌مهد و یک استاد دیگر بودند که نشناختم. دکتر یعقوب‌نژاد سؤالات سختی می‌پرسید. دائم از پایان‌نامه سؤال می‌کرد، من همه را بلد بودم اما گیج شده بودم و نتوانستم درست جواب بدهم. دکتر بنی‌مهد یک سؤال پرسید و من جوابش را دادم. بار آخر گفت «پسر زیلی هستی». مصاحبه‌گر دیگر که مقالاتم را چک می‌کرد، گفت «این مقاله کار خودت نیست، تو چه کارهایی شو انجام دادی؟». بعد چند تا سؤال پرسید و من جوابش را دادم.

- اساتید مصاحبه‌کننده رشته حسابداری دکتر رهنما، دکتر دستگیر، دکتر فغانی و خانم دکتر پورزمانی بودند.

- سؤالاتی که از من پرسیدند:

مدیریت سود چیست؟

آیا مدیریت سود در شرکت باشد خوب است یا بد؟

ای پی اس و انواع آن را توضیح دهید؟

فرق مدیریت سود با کیفیت سود؟

برای کیفیت سود باید از چه اقلامی استفاده کنید؟

ابعاد کیفیت سود؟

منابع انسانی را توضیح دهید و حروف اختصاری آن چیست؟
 بعد در رابطه با پایان نامه ام که مسئولیت اجتماعی بود، سوالات مختلفی پرسیدند و سؤال کردند که چطوری کمی کردم.
 مصاحبه حدود ۱۵ دقیقه طول کشید.
 زبان فقط در حد یک خط از من سؤال شد.

- من بدون آزمون بودم. روز مصاحبه از همان ابتدا به عنوان پایان نامه ام گیر دادند و اعتماد به نفسم را از دست دادم. از من مدرک زبان نخواستند و چون شرایط روحی ام خوب نبود، یادم رفت که بگویم دارم.

- در روز مصاحبه در گروه دکتر و کیلی فرد، طالب نیا و بنی مهد افتادم. سؤالاتی که از من پرسیدند:
 (۱) حسابرسان باید به پوششی رسیدگی کنند یا نه و آیا در گزارش خود باید اشاره نمایند؟
 (۲) سرمایه در گردش و سرمایه در گردش خالص چیست؟
 (۳) تفاوت حسابرس داخلی و مستقل را بیان نمایید.
 متنی هم برای ترجمه زبان دادند که تقریباً خوب ترجمه نمودم.
 جو مصاحبه بسیار آرام و صمیمی بود و استاید با گشاده رویی مصاحبه نمودند.

- من در گروه دکتر رهنما بودم. غیر از ایشان یک خانم بودند که نشناختم و دکتر فغانی. اولین سؤالشان این بود که هیأت علمی هستی؟ چاره‌ای نداشتم جز این که بگویم بله. دکتر فغانی خیلی سخت گرفت. در هر مبحث کارشناسی کاربرد تئوری‌ها و نظر دانشمندان حسابداری را می‌پرسیدند.

- مصاحبه‌کننده‌ها چهار نفر بودند. وقتی وارد اتاق می‌شدیم، بعد از سلام و احوال پرسی سؤال می‌کردند که مدرک ارشد را از کدام دانشگاه گرفته‌اید؟ مقاله دارید؟ کتاب دارید؟ جایی مشغول به کار هستید؟
 یک متن انگلیسی دادند و گفتند بخوانم و ترجمه کنم، آن هم با انتخاب خودم.
 از من در خصوص شرکت‌های سهامی عام و خاص پرسیدند؛ گفتند فرق بین مؤسسه با شرکت سهامی خاص در چیست؟ در خصوص بورس بازل هم از بنده پرسیدند.
 رتبه را هم پرسیدند و در مورد داشتن مدرک زبان هم سؤال کردند.
 فضای مصاحبه خیلی عالی بود، یعنی هم مزاح بود و هم سختگیری.
 به نظرم بیشتر ملاکشان برای قبولی رتبه‌های بهتر بود، از حرف‌هایشان مشخص بود.

- جلسه مصاحبه خیلی دوستانه بود. البته به تمام سوالات آنها جواب دادم و سوالی را بدون جواب نگذاشتم. مدرک زبان نداشتم و موقع خواندن زبان خیلی صادقانه گفتم زبانم زیاد خوب نیست که استاید گفتند اشکالی ندارد و خط اول را بخوان و ترجمه کن. من هم خواندم، فقط یک کلمه را بلد نبودم. بعد هم برایم آرزوی موفقیت کردند و نفر بعدی را صدا زدند.

- برخلاف اکثریت که به آنها گفته بودند در چه درسی تسلط داری، برای من این گونه نبود. از تئوری گرفته تا صنعتی 2 پشت سر هم سؤال می پرسیدند.

- من بدون آزمون بودم. از من سوالات تخصصی و زبان انگلیسی پرسیدند که البته بیشتر روی زبان تأکید داشتند. بعد هم درمورد انتخاب‌هایم سؤال کردند و تمام. به نظر من در بدون آزمون بیشتر به معدل و محل فارغ‌التحصیلی توجه می‌کردند.

- فضای مصاحبه خیلی خوب بود، مدارک را چک می‌کردند و امتیاز لازم را می‌دادند. بیشتر مفاهیم اساسی حسابداری و زبان تخصصی به صورت ترجمه پرسیده شد.

- تعدادی از سوالاتی که در گروه دکتر بنی مهد پرسیده بودند:

1- تفسیر بدھکار بستانکار

2- سرمایه در گردش

3- تفاوت حسابرس داخلی و مستقل

4- گزارش حسابرس جدید چه طور است؟ و باید گزارش بدھد یا نه؟

5- وقتی بدھکاران زیاد می‌شوند، بدھی چه تغییری می‌کند؟

6- تئوری اثباتی

7- نحوه نشان دادن حسابهای انتظامی در ترازنامه

8- استاندارد حسابرسی شماره 31

9- ریسک حسابرسی

10- حسابرسی عملکرد

11- هزینه‌یابی کیفیت

12- کارت ارزیابی متوازن

13- هزینه‌یابی محصولات مشترک

14- نظریه ساختار سرمایه

- مصاحبه در دو گروه انجام می‌شد. گروه اول دکتر نیکومرام، رهنما، لشگری و رئیس‌زاده و گروه دوم دکتر بنی‌مهد و یعقوب‌نژاد و کیلی‌فر و طالب‌نیا بودند. کاملاً شانسی ممکن بود در هر گروهی مصاحبه بشوید. امسال کار پژوهشی نمره زیادی در مصاحبه داشت (حدوداً 40 درصد). به پایان نامه هم نمره می‌دادند. برای سؤالات تخصصی هم از داوطلبان پرسیده می‌شد که در چه زمینه‌ای تخصص دارند و از همان مبحث، سؤال مطرح می‌شد. برای زبان تخصصی حتماً باید یک پاراگراف می‌خواندیم و ترجمه می‌کردیم که برای من متن تئوری بود. در مورد هدف از تحصیل در مقطع دکتری هم سؤال می‌شود. ضمناً حتماً به روش تحقیق پایان‌نامه‌تان اشراف داشته باشید.

- اصلاً سؤالات تکراری نمی‌پرسیدند. مصاحبه‌ها کوتاه بود و مراکزیم ۵ دقیقه طول می‌کشید. در مورد پایان‌نامه هم سؤال می‌پرسیدند. مدارک و سوابق تدریس را هم اصلاً نگاه نمی‌کردند.

- فضا صمیمی بود. گروه مصاحبه‌کننده‌ها به دو قسمت تقسیم شده بودند. یک گروه ۴ نفره شامل استاد رهنما رودپشتی و یک خانم و دو استاد دیگر که من شناختی نداشتم. گروه دوم شامل آقای نیکومرام، طالب‌نیا و یک استاد دیگر که نمی‌شناختم. بندۀ خوشبختانه گروه آقای رهنما افتادم. ابتدا که وارد شدم، آقای رهنما درباره مدرک زبان، معدل، مقاله و کتاب پرسید و امتیازاتش را منظور کرد. استاد خانم هم پایان‌نامه‌ام را بررسی کرد، ولی سؤال نپرسید. چون دانشگاه علامه بودم و استادم دکتر باباجانی بود، نمره کامل را به من دادند.

در ضمن امسال مصاحبه از 100 امتیاز بود. در مورد کارم که تدریس می‌کنم سؤال نپرسیدند.

استاد رهنما گفت چه زمینه‌ای آمادگی داری سؤال پرسم، گفتم حسابداری مدیریت و مدیریت مالی. سؤالاتی که از من پرسیده شد:

1- حسابداری عملکرد سیستم (تروپوت)

2- برای مدیریت هزینه در شرکت‌ها چه اطلاعاتی مورد نیاز است؟

3- TDABC مخفف چه اصطلاحی است؟

4- RCA یعنی چه؟ توضیح بدهید.

5- آیا می‌شود که در شرکت مدیریت سود انجام نشود؟ تحت چه شرایطی؟

6- دیرش

7- Convexity مخفف چیست؟ توضیح دهید.

8- Volatility یعنی چه؟

9- متن زبان در مورد حسابداری مدیریت بود. فکر کم کتاب بلوچر بود. بندۀ اول عنوان را خواندم و ترجمه کدم. موضوع متن درباره انواع روش‌های مختلف برای برآورد محرك بها بود. آمدم پاراگراف را بخونم، سه کلمه خواندم، استاد رهنما گفت کافی

است. دو تا سؤال دیگر هم پرسید. به جای predict از چه کلمه‌ای می‌شود استفاده کرد و به جای کلمه Volatility از چه واژه‌ای می‌توان استفاده کرد؟ در کل خوب بود.

سؤالاتی که از بقیه پرسیده بودند تا جایی که حضور ذهن دارم:

1- حسابرسی جامع

2- فرضیه بیمه

3- فرضیه سیاسی

4- mix cost با رسم نمودار و توضیح

5- حساب مستقل وجوه بازنشستگی

6- اعضای کمیته حسابرسی چند نفر هستند؟

7- کیفیت سود و کیفیت اقلام تعهدی

از دو نفر هم فقط پایان نامه و متن زبان پرسیده بودند. جالب این که از نفر قبل من متن زبان نپرسیده بودند، یادشان رفته بود.

8- از یک نفر هم در مورد نقطه سربه‌سر و انواع نمودارهای مربوطه سؤال کرده بودند.

مدیریت مالی

- استاد مصاحبه‌کننده مدیریت مالی:

دکتر رهنماei رودپشتی، دکتر وکیلی‌فر، دکتر خلیلی، دکتر هاشم نیکومرام

- خانم دکتری خلیلی و استاد دیگری که نمی‌شناختم از پایان‌نامه سؤال کردند و یک متن انگلیسی هم برای ترجمه دادند.

حقوق خصوصی

7- تا گروه بود که سه تا سه تا داخل یک اتاق بودند. معدل و ریزنمرات را نگاهی انداختند. بعد نگاهی گذرا به پایان‌نامه داشتند. سؤالات از تجارت مبحث چک بود و اصول حاکم بر اسناد تجاری، فرق بین حکم و قرار و موارد صدور قرار سقوط دعوى، مدنی هم عقد معلق پرسیدند؛ از خیار عیب پرسیدند. متون فقه و متون حقوقی هم یک پاراگراف دادند گفتند معنی کنید. تعداد غایبین تقریباً زیاد بود، حدود 20 درصد.

- یکی از استادید دکتر شمس و دیگری دکتر قربان زاده بودند. از مقاله‌ها پرسیدند و این که آیا در همایش و کنفرانس شرکت کردیدم یا نه، آیا مدرک زبان دارم یا نه. کدام دانشگاه ارشد خوانده‌ام و معدلم چند است. ریزنمرات و پایان‌نامه را دیدند. چند سؤال از مدنی، آ.د.م، یک سؤال تجاری از بخش ورشکستگی و یک متن انگلیسی دادند برای ترجمه و یک متن عربی از متون فقه. موقع جواب دادن به سؤالات،

استادید داوطلبان را دچار شک و تردید می‌کردند، یعنی جواب می‌دادی، اما آنقدر سؤال‌بیچ می‌شد که به درست بودن جوابت شک می‌کردی.

- از من متون حقوقی سؤال کردند، یک متن دادند گفتند بخوان و ترجمه کن. وقتی خواندم، استاد گفت عالی بود. بقیه درس‌ها هم متوسط بود.

- روزی که من مصاحبه داشتم، در دو گروه مصاحبه صورت می‌گرفت. ولی در روزهای دیگر توسط ۳ گروه مصاحبه انجام می‌شد. دو نفری وارد اتاق می‌شدیم. مصاحبه ما دو نفر نهایت ۲۰ دقیقه بود. دکتر نهرینی را شناختم که از ما آ.د.م و سه خط خواندن زبان و ترجمه آن را می‌پرسید. دو تا استاد دیگر یکی‌شان مدنی بحث اجاره را پرسید و دیگری هم متون فقه سه خط برای روخوانی و ترجمه داد. چون وقت نشد تجارت نپرسیدند. ولی از نفرات قبلی ما در مورد چک سؤال پرسیده بودند. پایان‌نامه من و داوطلب دیگری که همراه من آمده بود را فقط ورق زند و سؤالی نپرسیدند. محل تحصیل، معدل و نمره پایان‌نامه و کتاب، مقالات و مدرک زبان برایشان مهم بود و علامت می‌زدند. کلاً فضای بدی نبود و خوب برخورد کردند.

بیشتر به نوع تحلیل و استدلال توجه داشتند. به شرط این که خیلی از مسأله پرت نشوی. دکتر مالکی که رئیس دانشکده حقوق آزاد تهران مرکز و استادم بود هم حضور داشتند. سال‌های قبل که مصاحبه در اختیار دکتر افتخار جهرمی بود، اکثر استادها از شهید بهشتی بودند، مثلًاً دکتر اربابی – که ایشان زبان می‌پرسیده و سخت‌گیر بوده – اما برای ما بیشتر استادید از دانشکده‌های حقوق دانشگاه آزاد واحدهای علوم تحقیقات، مرکز شمال و جنوب بودند.

حقوق عمومی

- من مصاحبه بسیار بدی داشتم. تقریباً هیچ سؤالی را نتوانستم پاسخ بدهم. فقط ترجمه را حدوداً ۷۰ درصد درست انجام دادم، مدرک زبان ارائه دادم و پایان‌نامه‌ام هم که فوق العاده بود، ولی نه از آن تعریف کردند و نه تحقیرش کردند.

- به پایان‌نامه مسلط باشید چون سه سؤال از پایان‌نامه می‌پرسیدند. یک سؤال در خصوص حقوق بشر پرسیدند، سؤال دیگری در خصوص قانون‌گذاری مجلس هم مطرح شد که دکتر درویشی پرسید. چون زبانم خوب بود، خیلی سؤال پرسیدند، هم ترجمه و هم این که متن فارسی دادند و گفتند به انگلیسی برگردانم.

موضوع پایان نامه من در خصوص نظم عمومی بود. در این خصوص هم سؤال پرسیدند.

حقوق بین‌الملل عمومی

- در کل ارزیابی خوبی از مصاحبه‌ام دارم. واقعاً فضا صمیمانه و در عین حال محترمانه بود. برای من شروعش با شوخی و مزاح جناب دکتر موسی‌زاده شروع شد. واقعاً به جاست که عنوان اساتید کم‌نظری علم و اخلاق را به این عزیزان اطلاع کنیم. دو سؤال از پایان‌نامه‌ام پرسیده شد که جواب دادم. سؤالات سخت و پیچیده‌ای نبود اصلاً. علت کار در حوزه‌ای که انتخاب کرده بودم را پرسیدند. در مورد سطح زبانم سؤال شد و خواستند که کلاً در مورد پایان‌نامه‌ام هر چه را که گفته بودم، دوباره اما به انگلیسی بیان کنم که من هم اطاعت نمودم. در مورد این که ترجیح‌م و یا برنامه آینده‌ام برای پژوهش در چه زمینه‌ای است هم سؤال کردند.

- بر مباحث حقوقی دوره ارشد تسلط داشته باشید، CCA، حقوق معاهدات، حقوق هوا و فضا و متن انگلیسی هم دادند که باید ترجمه می‌کردیم.

- در یک اتاق ۵ استاد بودند و بر اساس فهرست بچه‌ها را صدا می‌زنند. متن انگلیسی مباحث حقوق بین‌الملل که از روی یک کتاب بود را سؤال می‌کردند. اگر زبان‌تان قوی باشد، خیلی شانستان زیاد است. از یکی هوا و فضا پرسیدند، حقوق معاهدات دیوان بین‌المللی کیفری و حقوق دریاها.

- من ترم آخر هستم و از پایان‌نامه نپرسیدند. استرس نداشته باشید، سؤالات راحتی می‌پرسیدند که اگر آرامش داشته باشید، جواب می‌دهید. مصاحبه ۱۵ دقیقه طول کشید. توصیه می‌کنم درس‌ها را مرور نمایید و هر مدرکی دارید همراه ببرید. مدرک زبان، مقالات، مدرک ارشد، ریزنمرات ارشد و مدرک لیسانس. تسلط به پایان‌نامه، زبان انگلیسی خوب و تسلط به مباحث دوره ارشد را توصیه می‌کنم.

حقوق جزا

- چیشن اساتید برای ما بدین شکل بود که استاد محترم متون فقه در یک اتاق جداگانه سؤال می‌پرسیدند. اول خدمت ایشان هدایت شدیم. ایشان خیلی روی تلفظ صحیح و اعراب‌گذاری دقت و وسوس داشتند. یک متن برایمان می‌آوردند که می‌بایست بخوانیم و مفهوم و معنی را برایشان توضیح دهیم.

متن من از حدود بود که متن را تقریباً صحیح و روان خواندم و تقریباً نود درصد مفهوم و معنی را صحیح منتقل کردم. البته از من در ابتدا پایان نامه و سوابق را هم خواستند که با توجه به آموزش محور بودنم گفتم پایان نامه ندارم ولی یک کتاب در زمینه حدود داشتم و چند تا مقاله که نشان دادم.

در کل اگر متون فقه با ایشان بیفتید، بایستی حواستان به اعراب صحیح و سؤالات ناگهانی از داخل متن باشد.

بعد یک اتاق بزرگ بود که به شکل دو اتاق تو در تو بود. داخل اتاق اول استاد جرم‌شناسی و دکتر شامبیاتی بودند و داخل اتاق اتاق دومی استادی کیفری و زبان بودند. البته هر کدام از این استادی پشت میز جداگانه و با فاصله تقریباً دو متری نشسته بودند. اول خدمت آقای شامبیاتی رسیدم. ایشان پایان نامه‌ام را خواستند و وقتی دیدند که ندارم، شروع به سؤال پرسیدن کردند و من دو تا سؤالی را که راجع به ارکان جرم پرسیدند، به درستی جواب دادم. وقتی خواستم در مورد مقالاتم صحبت کنم، اصلاً گوش نکردند و بعد گفتند که «مطالعه نداری و برو مطالعه کن» و سریع مصاحبه با من را قطع کردند.

نفر کناری جرم‌شناسی بودند که آقایی جوان بودند. در مورد برچسبزنی و فشار پرسیدند و یک متن قانون کیفری دادند و گفتند که تحلیل جرم‌شناسی بکنم. همین آقا مسئول ارزیابی هم بودند که مقالات و تألیفات و ... را چک می‌کردند و نمره می‌دادند. بعد داخل اتاق داخلی شدم و اول استاد کیفری که ایشان را نمی‌شناختم از من سؤال کردند، راجع به تعلیق و تعقیب و اختیارات دادستان و کل و چند سؤال دیگر پرسیدند که 90 درصد صحیح پاسخ دادم.

بعد استاد زبان که نفر کناری بودند ابتدا به انگلیسی شروع به صحبت کردند که من هم جواب ایشان را دادم و حدود 5 دقیقه مکالمه داشتیم. بعد یک متن در مورد سرقت جلویم گذاشتند که خواندم و معنی کردم و برایشان مفهوم متن که در مورد ماده قانونی سال 1986 راجع به سرقت از منزل بود توضیح دادم و هیچ ایرادی در این متن از من نگرفتند و بعد متن دوم را از یک کتاب به من دادند که راجع به جرم‌شناسی بود که خط آخر را نتوانستم ترجمه کنم و ایشان گفتند کافی است.

- مصاحبه‌ام بجز سؤالات آقای شامبیاتی عالی بود. البته من توضیح دادم که زبانم ضعیف هست و زیاد نپرسیدند. متون فقه، دادرسی کیفری و نیز جرم‌شناسی را زیاد سؤال کردند. حتماً نظریه‌ها و متون فقه شرح لمعه را بخوانید.

- دکتر عالی‌پور کیفری پرسید و پایان نامه را دید. دکتر یکرنگی جزا پرسید و متون حقوقی و آقای شکاری هم متون فقه جرم‌شناسی.

مصاحبه برایم سخت بود، سؤالاتی بود که فکر نمی‌کردم، مثلاً دادگاه ویژه روحانیت را از من سؤال کردند. جزا هم نسبتاً سخت بود.

- جو مصاحبه آرام بود، باید به خودتان مسلط باشید و اگر سؤالی بلد نبودید با متناسب بگویید که بلد نیستم یا حضور ذهن ندارم. از من پرسیدند که انتخاب اولت را کجا زدی، درمورد دانشگاه ارشد پرسیدند. در کل همه چیز خوب بود، نگران نباشد. به پایان نامه مسلط باشید.

- فضای مصاحبه خیلی خوبی بود. مصاحبه‌کننده‌ها دکتر توانا و شامبیاتی و اختصاصی و جزای عمومی فکر کنم دکتر مهدوی بودند.

- مصاحبه از 100 نمره بود که 70 نمره آن به پژوهش مربوط بود و فقط 30 نمره آن مربوط به پرسش‌های استادی. دکتر شامبیاتی بدون استثنا به همه دوستان از جمله خود بنده گفتند که «خیلی ضعیفی»، ولی در آخر نمره نسبتاً خوبی دادند.

روانشناسی تربیتی

- با این که رتبه‌ام خوب نبود، ولی از مصاحبه خیلی راضی بودم. سه نفر در اتاق مصاحبه بودند که همه از استادی دانشگاه علامه بودند. قبل از این که وارد اتاق مصاحبه شویم، دکتر مقامی، استاد علامه، آمد و مدارک و پایان‌نامه‌ها را گرفت و بعد به ترتیب به داخل اتاق صدا می‌زد. حدود سه سؤال می‌پرسیدند. اگر روی زبان انگلیسی تأکید می‌کردی، می‌گفتند که فلان نظریه را به انگلیسی بگو. سؤالاتی که از من پرسیدند:

نظریه‌هال، شرطی‌سازی زنجیره‌ای، انواع تقویت (نسبی و فاصله‌ای)، دوره‌های رشد جنبی، اختلالات زبان، اسکینر، پیازه، ویگوتسکی، ثورندايك.

- با کلی تأخیر وارد اتاق مصاحبه شدم. دکتر در تاج، سیف و احدی حضور داشتند. اصلاً نه پایان‌نامه را نگاه کردند و نه سؤال پرسیدند. زبان هم نپرسیدند. اثر نوسان هال، تحلیل تکلیف و نظریه میلر و دلارد را پرسیدند. درمورد دانشگاه ارشد و کارشناسی و این که کتاب یا مقاله دارم یا خیر، سؤال کردند. از همه به همین شکل پرسیدند، نه از پایان‌نامه سؤال کردند و نه زبان و نه آمار. فقط از یادگیری و تربیتی و رشد پرسیدند. در مجموع مصاحبه شاید حدود پنج دقیقه طول کشید.

- آمار نپرسیدند. زبان هم اکثراً از کسانی پرسیده بودند که گفته بودند مدرک زبان داریم یا کلاس زبان رفیم. مصاحبه خیلی سریع انجام می‌شد. رزومه را می‌دیدند. راجع به دانشگاه لیسانس و فوق لیسانس می‌پرسیدند و این که مقاله یا تألیف یا مدرک زبان داری یا نه.

روانشناسی عمومی

- حدود نیم ساعت منتظر ماندیم. بعد اسمممان را صدای زدنده، 2 تا خانم مدارک را بررسی کردند. مقاله و پایان‌نامه مهم بود، کارگاه و ... را قبول نکردند. بعد سه تا اتاق بود که مدارک را که به هر اتفاقی می‌دادند، آن اتاق صدایت می‌زدند. من به اتفاقی که دکتر گنجی و دو تا خانم بودند رفتم. دکتر گنجی از ادراک و رنگ‌ها سؤال پرسید، فرق بازناسی و یادآوری را پرسید. یکی از خانم‌ها

از آمار پایان نامه‌ام پرسید، آن یکی خانم هم از من خواست عنوان پایان نامه‌ام را به انگلیسی بگوییم. بعد چند لغت انگلیسی و یک متن انگلیسی در مورد مکانیسم‌های دفاعی دادند ترجمه کنم. از تغییرات ۵ dsm هم سؤال پرسید. در کل فضای خوبی بود.

- سؤالات خیلی سختی از من پرسیدند، مثلاً تاریخچه روانشناسی در ایران، تغییرات اختلالات طیف سایکوز در دی اس ام ۵ زبان هم که نظریه فروید بود در مورد شهوت. با این که زبانم خوب بود، ولی خیلی سخت بود. روش تحقیق هم آنقدر مرا به چالش کشیدند که گیج شدم.

- اساتید خیلی محترم بودند. اصلاً جای استرس نبود. فقط سعی کنید هر جا چیزی نمی‌دانید روی موضوعاتی حول آن مانور بدھید تا بدانند که شما اطلاعاتی دارید، چون بیشتر سنجش اعتمادبهنه‌س شما مدنظرشان است. حتماً خلاصه‌های کلیه دروس را مطالعه کنید و مسلط و دستپر بروید.

- زبان، سؤالات علمی و آمار پایان نامه را مورد پرسش قرار دادند. اصلاً جای برای استرس و نگرانی وجود نداشت. مقالات، سeminارها، ریزنمرات و نمره پایان نامه هم جداگانه بررسی شدند. خوشبختانه همه چیز به خوبی سازماندهی شده بود و حقی از کسی ضایع نمی‌شد.

- خیلی مصاحبه بدی بود، دکتر پاشاشریفی از همان ابتدا موضوع پایان نامه‌ام را به چالش کشید و در آخر هم گفت کلاً پایان نامه‌ات مشکل دارد و باید اصلاحش کنی و دوباره انجامش بدھی. دکتر گنجی هم تست‌های شناختی و تاریخچه روانشناسی در ایران را پرسید. یک خانم دیگر هم گفت یک پاراگراف زبان بخوان و ترجمه کن. البته به سؤالات دکتر گنجی و استاد دیگر خوب جواب دادم و فقط دکتر پاشا خیلی پایان نامه‌ام را به چالش کشید.

- برخورد اساتید خیلی خوب بود، به خصوص دکتر گنجی. فقط سؤال درسی و پایان نامه و زبان از من پرسیدند.

- اول رزومه را می‌خواستند (مقاله و مدرک زبان و ...). مقاله‌های چاپ شده را قبول داشتند (حتی پذیرش شده هم برایشان مورد تأیید نبود). از من در مورد آزمون‌های وکسلر، همیستگی‌های چندگانه، علی - مقایسه‌ای، طرح آزمایشی و اختلال سلوک و چند خط خواندن و ترجمه زبان سؤال شد.

- در مورد فیزیولوژیک و تست NEO و مکانیسم دفاعی و بخش آماری پایان نامه سؤال کردند و در آخر هم یک استاد خانم زبان پرسید.

- سه تا اتاق بود که داخل دو اتاق خیلی اساتید مهربانی حضور داشتند، ولی یک اتاق، یک استاد مسن بود که کمی بی‌حواله بود و من برای مصاحبه به آن جا رفتم. در مورد روش تحقیق پایان‌نامه‌ام سؤالات زیادی پرسید. بعد یک خانم در مورد عدد درون‌ریز و اختلال موکنی و کار غده تیروئید پرسید. همان آقای یک بیت شعر خواند و گفت به کدام مکانیزم دفاعی ربط دارد. در مورد آزمون *neuro* هم سؤالات زیادی مطرح شد. چند خط زبان هم خواندم. البته در مجموع خوب بود و استرس نداشت.

- ساعت 10 جلسه مصاحبه بود، که من 8 و نیم آن جا بود و 11 رفتم داخل. قبل از آن دو خانم مدارک را بررسی می‌کردند. به مقالاتی که نفر اول بودم 4/5 نمره و نفر دوم 1/2 و به همین ترتیب نمره دادند. همايش و سخنرانی به شرطی که شرکت کرده باشیم، نه نامه پذیرش، امتیاز دادند. کتاب را قبول نکردند و گفتند باید عضو هیأت علمی باشی. گواهی دانش‌آموخته برتری از خانه نخبگان را هم قبول نکردند. امتیاز معدل بالا را هم دادند و نمره مدرک زبان را هم منظور کردند. داخل اتاق رفتم. خانم دکتر مهدیه صالحی و آقای دکتر خلعتبری حضور داشتند. خانم دکتر استاد لیسانسیم بود و شروع کرد از مرضی پرسید، علت بیماری نافرمانی مقابله‌ای، تفاوت آن با سلوکی، اختلال اسکیزوفرنی، دی اس ام 5 و آقای خلعتبری در مورد کارگاهی که رفته بودم و تکنیک‌های درمانی پرسید و حالت کیس استادی سؤال شد. همین‌طور پرسید که اگر یک گروه داشته باشیم چه آزمون آماری استفاده می‌کنیم؟

برای زبان هم کتابی دادند که خواندم و ترجمه کردم. در مجموع خوب بود، اما سؤال‌های دکتر خلعتبری چالش‌برانگیز بود. در مورد نحوه و توانایی تأمین هزینه و اولویت اول چیزی نپرسیدند، ولی موقع خروج از اتاق شغلم را پرسیدند.

- بعد از این که وارد سالن اصلی شدم، اسمی صدا زدند و به اتاق انتظار رفیم. سپس مدارک را که شامل مقاله، ریزنمرات ارشد، پایان‌نامه بود، گرفتند و امتیازاتش را ثبت کردند، که مقاله من 4/5 امتیاز گرفت، یک مقاله علمی پژوهشی داشتم. حتی نوع دانشگاه ارشد که جامع باشد یا نه هم امتیاز داشت. پس از 2 ساعت و نیم تأخیر وارد اتاق مصاحبه شدم. سه اتاق مصاحبه وجود داشت که دکتر حمزه گنجی در اتاقی که من به مصاحبه رفتم، حضور داشت. ایشان از درس ادراک و احساس، سؤالاتی که البته من خیلی مسلط نبودم، پرسید. پیرامون مسائل متفرقه هم گپ زدیم.

برخورد اساتید فوق العاده بود، مخصوصاً دکتر بزرگوار جناب حمزه گنجی. حتی از من اسم دخترم و دلیل انتخابش را پرسیدند و صبورانه به خاطره اولین روز تدریس من در دانشگاه گوش کردند.

استاد دوم که ایشان را نمی‌شناختم، از روش آماری پایان‌نامه و پیش‌فرض‌هایش، عنوان انگلیسی پایان‌نامه، روخوانی چکیده انگلیسی، معرفی خودم به انگلیسی و چند لغت فارسی به انگلیسی پرسیدند.

استاد سوم از تعییرات *dsm5* و دو نظریه اختیاری از شخصیت پرسید. روی‌هم رفته جلسه خوبی بود، با این که چند سؤال را جواب ندادم، ولی راضی بودم و فضا بسیار صمیمانه و خوب بود. راستی نحوه بیان و اعتماد به نفس خیلی مهم است.

- اصلاً جای نگرانی نیست. از من در مورد پایان‌نامه، آسیب، آمار و رشد پرسیدند و دو خط زبان. در آخر هم پرسیدند کدام شهر انتخاب اول است. بعد هم در مورد توانایی پرداخت هزینه سؤال کردند.

روانشناسی سلامت

- از بین اساتید بnde فقط دکتر اسکندری را شناختم. مصاحبه‌های اولیه با سه تن از اساتید برگزار شد، اما وقتی نوبت به من و سه نفر آخر رسید، شدنده ۵ نفر شدند و کار سخت‌تر شد. استرس نداشته باشد، بیشترین تمرکزان روی پایان‌نامه باشد، بهخصوص قسمت آماری پایان‌نامه. یک توضیح جامع و کامل از رشته‌ای که می‌خواهید در آن ادامه تحصیل بدهید و این که چرا این گرایش را انتخاب کرده‌اید در ذهن داشته باشد.

از من معرفی خود به زبان انگلیسی را هم پرسیدند. در آخر این که متأسفانه فضای مصاحبه کمی سنگین و شاید تحقیرآمیز بود، اما شما به خودتان مسلط باشد. خیلی از بچه‌ها با بعض و به هم‌ریختگی کامل روحی از اتاق خارج می‌شوند! عصبانی نشونید و به شدت احترام بگذارید.

- برخورد اساتید عالی بود. البته سؤال زیاد می‌پرسیدند و معمولاً مصاحبه 20 دقیقه طول می‌کشید.

- به خاطر تأخیر پروازم دیر رسیدم و استرس داشتم و با پیش‌زمینه مصاحبه بد سال گذشته، البته در رشته دیگر، به اتاق مصاحبه رفتم. اما گروه روانشناسی سلامت با رفتارها و حرف‌های بسیار انسانی باعث کاهش استرس من شدند و باعث شدنده به تمام سؤالاتشان با آرامش پاسخ دهم. خانم دکتری هم آن‌جا بودند و تمام رزومه من را بررسی کردند.

روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

- 4 نفر از اساتید در مصاحبه حاضر بودند. سؤالات تخصصی رشته‌ام، هدفم از ادامه تحصیل، اصطلاحات تخصصی زبان، در مورد پایان‌نامه، مطالب آماری و آزمون‌هایی که انجام داده بودم، مورد سؤال بود. رفتار اساتید خیلی محترمانه بود و من هم تا جایی که می‌توانستم پاسخ دادم. مواردی را هم که نمی‌دانستم گفتم مطالعه نکرده‌ام. تنها چیزی که خیلی مهم است، اعتماد به نفس است.

زبان و ادبیات انگلیسی

- اساتید مصاحبه‌کننده آقایان دکتر سخنور، نجومیان، مفتون و یعقوبی بودند. برخورد همگی فوق‌العاده بود. مصاحبه‌ها از ده تا سی دقیقه متغیر بود و در مقایسه با مصاحبه‌های دانشگاه دولتی که رفته بودم، سخت‌تر بود. سوابق تدریس را نگاه نکردند. سوابق پژوهشی و کتب و مقالات را با دقت بررسی کردند و بسیار برایشان مهم بود. سؤالات تخصصی و خارج از پایان‌نامه نسبتاً زیاد پرسیدند. در ضمن کیفیت و موضوع پایان‌نامه خیلی برایشان مهم بود. مدت زمان مصاحبه کسانی که دفاع نکرده بودند یا مقاله نداشتند کوتاه‌تر بود. به کسانی که چند سالی از دفاعشان می‌گذشت ولی آثار پژوهشی نداشتند، علناً می‌گفتند با این روال به جایی نمی‌رسند.

از مقالات سؤال کردند. مثلاً اثری که در یکی از مقالاتم مطالعه کرده بودم، در مورد آن نوع خاص ادبی، ویژگی‌هایش، یکی از شخصیت‌ها و یا آثار دیگری که در همان چهارچوب نوشته شده، از من پرسیدند.

خدوم از روال پاسخگویی‌ام رضایت نداشتم و چند جا احساس کردم که به چالش کشیده شده‌ام. ولی در مورد پایان‌نامه‌ام کاملاً مسلط بودم. همه سؤالات پایان‌نامه را دکتر نجومیان پرسید و از کیفیت کارم حتی تعریف هم کرد که بسیار دلگرم‌کننده بود. در کل شخصیت و برخورد ایشان خیلی آرامش‌بخش بود. مصاحبه من خیلی طولانی بود و حتی بعد از بیرون آمدنم دیگران گفتند که «چقدر اذیت کردن!». با این که خودم راضی نبودم، استادها با خوش‌رویی و تعریف‌های دلگرم‌کننده از کارهایم بدرقه‌ام کردند.

تعداد حاضرین هم واقعاً برايم عجیب بود، چون تقریباً همه آمده بودند.

- چیز خاصی نپرسیدند. آقای دکتر سهیل واقعاً انسان محترمی بودند، همین‌طور دکتر سخنور.

- استاد مصاحبه می‌کردند. از پایان‌نامه و مقاله سؤال می‌پرسیدند. طول مصاحبه بین 15-30 دقیقه متغیر بود.

آموزش زبان انگلیسی

- مصاحبه با یک ساعت و نیم تأخیر انجام شد. برای مصاحبه‌هایی که صبح تا ظهر بود، از مجموع 27 نفر حدود 10 نفر غایب بودند.

اول از بدون آزمون‌ها فیش واریزی و کپی کارت ملی را گرفتند و با اصل مطابقت دادند. بعد از نیم ساعت 6-7 نفر را صدا کردند و به اتفاقی مثل اتفاق انتظار رفتیم. به ترتیب فهرست که فکر می‌کنم بر اساس شماره پرونده بود، صدا می‌زدند. مصاحبه هر کسی حدود 15 دقیقه طول می‌کشید.

فضا خیلی خوب و صمیمی بود. از این که اساتید فارسی حرف می‌زدند شوکه شده بودم! زمان زیادی از مصاحبه به صحبت به زبان فارسی گذشت.

اصلًا از پایان نامه از من سؤال نپرسیدند. مدارک و سوابق تدریس و گواهی‌ها و توصیه‌نامه‌ها را اصلاً نگاه نکردند. حتی مقاله‌ها را نگاه نکردند و فقط پرسیدند که مقاله داری یا نه.

۲-۳ تا سؤال تسینینگ پرسیدند و ۳-۳ تا زبان‌شناسی سؤال کردند. سؤالات‌شان خیلی عجیب و غریب و جزئی و مفهومی نبود، ولی چیزی هم نبود که به سادگی قابل پاسخگویی باشد و نیازمند تحلیل بودند. دکتر مفتوح، دکتر یزدانی و دکتر خبیری را شناختم، اما ۳ تا آفای دیگر هم بودند که من آن‌ها را نشناختم.

- فضای جلسه کاملاً صمیمی و آرام بود. اساتید با آرامش سؤال می‌پرسیدند.

ما دوازده نفر بودیم که من جزو نفرات آخری بودم که به مصاحبه رفتم. بر اساس شماره پرونده صدا می‌زدند. حدود ۴ نفر از داوطلبان نیامده بودند.

سؤالاتی که از هر نفر پرسیدند، متفاوت بود. از یک نفر چند ضربالمثل فارسی پرسیده بودند و ترجمه‌شان را خواسته بودند. از دو نفر هم دستور زبان پرسیده بودند. سؤالات تخصصی و نظریات زبان و زبان‌شناسی مقابله‌ای را از من پرسیدند. از همه در مورد پایان نامه سؤال کرده بودند.

- برای آموزش زبان چهار نفر مصاحبه می‌گرفتند، ۳ استاد مرد و یک خانم. یکی از آقایان از دانشگاه آزاد شیراز بود و یکی دیگر دکتر یزدانی مقدم از تهران جنوب. ۲ نفر دیگر را نمی‌شناختم. همه بعد از مصاحبه با چهره‌ای خندان خارج می‌شدند. سؤالاتی که از من و تعداد زیادی از داوطلبان دیگر هم پرسیده بودند:

۱- مقاله چیزی داری؟ (خیلی‌ها نداشتند)

۲- مدرک آیلتس داری؟

۳- چند سؤال از آموزش و زبان‌شناسی (البته ساده)

۴- راجع به پایان نامه هم خیلی کلی پرسیدند که در پایان نامه‌ای چه کرده‌ای؟

۵- زیاد شوخی می‌کردند و می‌خنجدیدند.

۶- از کسانی که رتبه خوبی نداشتند (۱۲۰ و بالاتر)، معمولاً سؤالات گرامر هم می‌پرسیدند (در حد شرطی نوع سوم). اصلًا سعی نکنید آشنایی بدھید، چون اصلاً خوششان نمی‌آید.

- اول رتبه‌ام را پرسیدند و بعد معدل. بعد هم یک جمله دادند که مجھول کنم. سپس یک سؤال زبان‌شناسی پرسیدند و بعد گفتند که لغات جدید را چه طور درس می‌دهی. نفر بعد پرسید فرق زبان دوم و زبان خارجی چیست و یکی هم گفت از تجربه‌های تدریست بگو.

- خانم دکتر خبیری، دکتر مفتون، یزدانی و مرعشی در مصاحبه حضور داشتند. فضای بدی نبود، ولی زیاد سؤال زیاد می‌پرسیدند.

- متأسفانه روز مصاحبه اصلاً نتوانستم حرف بزنم. 6 استاد بودند که بدون توقف از سؤال می‌پرسیدند. خیلی استرس آور بود، به هر حال از متأهل بودن من و این که پسر 5 ساله دارم، ابراز ناراضایتی کردند و گفتند با تمامی این مشغله‌ها چه طور می‌خواهی درس بخوانی. از پایان‌نامه زیاد می‌پرسیدند، ولی همه این‌ها 5 دقیقه بیشتر طول نکشید.

مجموعه جامعه‌شناسی

- تا روز مصاحبه می‌توانید لغات ریتزر و گیدنز را بخوانید یا هر کتابی که در انتهای آن واژگان هست. اگر جزو زبان دارید، همان را بخوانید. همین‌طور می‌توانید کتاب‌های تافل را مرور کنید.

- مقاله و کنفرانس برایشان مهم بود و برای زبان هم یک کتاب باز می‌کردند و می‌گفتند بخوانید و ترجمه کنید. یکی دو تا سؤال هم از پایان‌نامه پرسیدند.

جامعه‌شناسی توسعه

- احساس می‌کردم اساتید می‌خواهند داوطلبان را به چالش بکشند. در کل مصاحبه خوب بود. دکتر از کیا در مصاحبه حضور داشتند.

جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی

- اساتید چهار نفر بودند که سه نفر را می‌شناختم، دکتر سپهر، دکتر حقیقت، دکتر کلدی. از من در مورد پایان‌نامه، مقالات، موضوع پایان‌نامه به انگلیسی و رساله دکتری پرسیدند و رزومه را هم نگاه کردند.

جامعه‌شناسی – بررسی مسائل سیاسی

- اساتید دکتر سیف‌اللهی، دکتر مدنی و دکتر سید میرزاپی و خانم دکتر میرسادو بودند. فضا خیلی خوب و آرام بود. سؤالات در حد مسائل اجتماعی بود.

- در گرایش بررسی مسائل از روش تحقیق سؤال کردند، در مورد روش مقدماتی، در مورد آمایش و در مورد نتایج پایان نامه هم سؤال کردند و متنی انگلیسی در رابطه با فمنیست دادند و از من خواستند که بخوانم و ترجمه کنم و بعد هم پرسیدند که فمنیست رادیکال یعنی چه؟

مجموعه علوم سیاسی

- دکتر ازغندی، دکتر مطلبی، دکتر طاهری استاد مصاحبه کننده بودند.

- اول پرسیدند کدام دانشگاه درس خوانده‌ام. بعد در مورد معدل و نمره پایان نامه پرسیدند. هر قدر ابراز معلومات می‌کردیم به ضررمان بود. از کسانی که رتبه خوبی نداشتند زیاد سؤال نمی‌کردند. از من در مورد رابطه روحانیت و دولت که مربوط به پایان نامه‌ام بود پرسیدند. بعد هم یک کتاب انگلیسی جلویم گذاشتند و خواستند که بخوانم.

- دکتر ساعی و دکتر مطلبی در مصاحبه حضور داشتند. بقیه را نمی‌شناختم.

- اول که وارد می‌شدیم، در مورد معدل و دانشگاهی که بوده‌ایم و نمره پایان نامه سؤال می‌کردند. بعد مدرک زبان می‌خواستند. مقالات پژوهشی، ترویجی و همایشی را نگاه می‌کردند. بعد یک کتاب زبان برای روخوانی می‌دادند که یک خط باید می‌خواندیم. سپس پایان نامه را بررسی می‌کردند و دو سؤال از رشته متناسب با پایان نامه مطرح می‌شد.

علوم سیاسی - مسائل ایران

- روی پایان نامه و زبان خیلی تأکید داشتند. مقالات و مدرک زبان خیلی برایشان مهم بود. سؤالات تخصصی مربوط به مسائل و تحولات ایران زیاد می‌پرسیدند. در کل نسبت به سال گذشته، کمی سخت‌تر و جدی‌تر بودند. روی پایان نامه و زبان حسابی کار کنید. فضا بسیار صمیمی بود. دکتر مطلبی و دکتر ازغندی از مصاحبه کننده‌ها بودند.

- اصلاً نگران نباشید. مصاحبه‌گرها آقای دکتر بزرگوار ازغندی و دکتر مطلبی بودند. فضای جلسه بسیار آرام بود و بیشتر سؤالات در خصوص پایان نامه و یا مربوط به تاریخ معاصر و اسامی کتاب‌های تاریخی بود. یک متن انگلیسی هم دادند گفتند بخوان که من بلد نبودم.

- استاید حاضر در مصاحبه:

دکتر ازغندي، دکتر مطلبی، دکتر امیني و دکتر طاهری که رئيس هر چهار گرایش بود.

- مصاحبه‌گرها دکتر ازغندي، دکتر طاهری و دکتر مطلبی بودند.

فضای علمی جلسه از حد انتظار پایین‌تر بود، مصاحبه‌گرها مشغول میوه خوردن و تلفن صحبت کردن بودند. دکتر مطلبی که از واحد آزادشهر آمده بود، اسمی افراد را می‌خواند و ما در اتاق کوچکی مقابل یک مصاحبه‌گر مطالب مدنظر آنها را ارائه می‌دادیم. این نکته حائز اهمیت است که به هیچ‌وجه جای نگرانی وجود نداشت، فضای سیار آرام و دوستانه بود. ابتدا خواسته می‌شد که خودمان را معرفی کنیم، بعد در خصوص پایان‌نامه سؤال می‌شد. دکتر طاهری گفتند هر چه کار علمی پژوهشی داری بگذار روی میز، سپس شروع به امتیاز دادن به مقالات ISI، پژوهشی، ترویجی و همایشی کرد.

سپس دکتر مطلبی یک متن انگلیسی از کتاب داورپناه انتخاب کرد و از من تقاضای روخوانی و ترجمه کرد. بسیار متن آسان و روانی بود. در خصوص دانشگاه مقطع ارشد و معدل ارشد سؤال شد و در خصوص زمینه مطالعاتی، انگیزه تحصیل و از برخی دوستان هم درخصوص مکاتب فاشیسم و ... سؤال پرسیده بودند. در کل ده دقیقه زمان به مصاحبه اختصاص می‌یافتد. نکته مهم دیگر این بود که باید حتماً متن چاپ‌شده مقالات را همراه داشتیم.

- سؤالاتی از پایان‌نامه ارشد مطرح شد. همچنین متى از یک کتاب دادند ترجمه کنم و یک سؤال تئوری هم از مسائل ایران و یک سؤال هم از توافق هسته‌ای از من پرسیده شد. همچنین سؤالاتی در مورد استاد راهنما و مشاور پایان‌نامه‌ام از من شد. به مدارکی هم که آماده کرده بودم، مثل توصیه‌نامه و رزومه و ریزنمراتم نگاهی انداختند. در ضمن مصاحبه حدوداً 10 دقیقه بیشتر طول نکشید.

- فضای مصاحبه خیلی خوب و صمیمی بود. استاید روی پایان‌نامه و روخوانی و ترجمه زبان تأکید می‌کردند. مقالات و کتاب برایشان مهم بود.

- مصاحبه خیلی راحت بود. از رزومه، زبان، مباحث علمی و از پایان‌نامه سؤالاتی مطرح شد. فضای سیار صمیمی بود. اول مدارک را نگاه کردند، بعد معدلم را پرسیدند. همچنین گفتند چند تا کتاب در مورد تحولات نام ببر. پایان‌نامه‌ام را به انگلیسی توضیح دادم و یک متن هم دادند ترجمه کردم. مدرک زبان هم برایشان اهمیت زیادی داشت.

روابط بین‌الملل

- استاید مصاحبه‌کننده: آقایان دکتر قوام، بزرگ و ذاکریان. البته در بعضی جلسات دکتر احمدی و دکتر کاظمی هم بوده‌اند.

محیط زیست

- بچه‌هایی که اول صبح به مصاحبه رفته بودند، خیلی اذیت شدند. ابتدا خونسردی خودتان را حفظ کنید. آخرین مقالات و همایش‌های مربوط به رشته‌تان را بخوانید. به پایان‌نامه هم مسلط باشید. اصطلاحات پایان‌نامه را می‌پرسیدند، راهکارهای پایان‌نامه و عنوان پایان‌نامه به انگلیسی را هم سؤال کردند. مباحث مهم تخصصی را بلد باشید. انگیزه ادامه تحصیل و معرفی خود را به انگلیسی بلد باشید. من فقط خودم را معرفی کرم و انگیزه‌ام از ادامه تحصیل را گفتم و بعد خواهش کرم فارسی پرسند، چون زبانم خوب نیست. پنج سؤال تخصصی پرسیدند که چهار سؤال را تا حدودی جواب دادم. یک سؤال از مباحث همایش‌های جدید بود که نمی‌دانستم و گفتم در این زمینه مطالعه نداشته‌ام.

مدیریت

- آن‌چه در زیر بیان می‌شود نتیجه مصاحبه خودم و افرادی است که قبل از بنده مصاحبه کرده بودند: اول از همه عرض کنم که بنده تقریباً امتیاز کامل مصاحبه را گرفتم، ولی روند و شیوه انجام مصاحبه اصلاً جالب نبود و ارزیابی درستی صورت نمی‌گرفت.

آن‌چه همراه داشتم:

- رزومه انگلیسی و فارسی

- 3 مقاله پژوهشی و دو مقاله کنفرانسی

- پایان‌نامه

- اصل و کپی مدارک لیسانس و فوق لیسانس

- توصیه‌نامه‌ها و احکام انتصاب و تقدیرنامه‌ها

- بنده یک لپ‌تاپ برای ارائه پژوهه‌هایی که کار کرده بودم به همراه داشتم و چند پاورپوینت برده بودم که هیچ‌کدام به کار نیامد. اما نکات:

نکات منفی مصاحبه:

- اساتید بی‌حوصله بودند و تقریباً عجله داشتند که مصاحبه زودتر تمام شود.

- اساتید در برخی از موارد توضیحات را متوجه نمی‌شدند.

- رزومه را نگاه نمی‌کردند.

- پایان‌نامه را نگاه نکردند.

- یکی دو سؤال ساده پرسیدند.

- تقدیرنامه‌ها، و مدارک بین‌المللی که من چند تا هم داشتم را اصلاً نگاه نکردم.

نکات مثبت برای برخی‌ها:

- سوال جدی نمی‌پرسیدند.

- دنبال مطالب ریز کتاب و جزوایت نباشید، خبری نیست.

- ساعتی که برای مصاحبه گفته‌اند در عمل اهمیتی نداشت. هر ساعتی می‌رفتی مهم نبود، چون آن‌جا این‌قدر باید بنشینید تا اسم شما را صدا کنند و اگر حضور نداشته باشید، بعداً دوباره صدا می‌زنند.

- بیشتر سعی کنید جلسه را مدیریت کنید تا این که به فضای علمی پردازید.

- حاشیه بیشتر از متن پرنگ است، برای همین ظاهر شما تأثیر بیشتری دارد.

سایر نکات:

یک پاراگراف متن انگلیسی می‌دادند و می‌گفتند بخوانید.

از سوابق کاری می‌پرسیدند که چه می‌کنید و در این بازه باید سعی می‌کردیم روی نقاط قوت خودمان تأکید کنیم.

سعی کنید سرحال باشید و برای آن‌جا یک وقت 3 تا 4 ساعت معطلى را در نظر بگیرید.

مدیریت بازرگانی - مدیریت بازاریابی



- به عنوان نفر دهم به اتاق مصاحبه رفتم.

1- مصاحبه‌کننده‌ها استادی بزرگوار آقایان حیدرزاده، خیری، سعیدنیا و یک نفر دیگر بودند که نمی‌شناختم.

2- چند گروه همزمان مصاحبه داشتند شامل برق، ریاضی و برای هر گروه یک راهرو و یک اتاق در نظر گرفته شده بود. دکتر سعیدنیا اسمی را اعلام می‌کردند، به همراه ایشان وارد اتاق مصاحبه شدم.

3- تعداد غاییین بازاریابی نهایتاً 3 نفر بود، اما تعداد حاضران را دقیق نمی‌دانم، ولی شلوغ بود.

4- از رتبه‌ام سؤال شد، کارنامه‌ام را نگاه کردند، ریز نمرات را نگاه نکردند، اما پایان‌نامه را گرفتند و مقالات را هم با دقت مطالعه کردند و نمره دادند. همچنین در مورد داشتن یا نداشتن مدرک زبان سؤال کردند.

5- نکته مهم این بود که احتمال این که سؤال تکراری بپرسند، خیلی کم بود، بنابراین استاندارد خاصی وجود نداشت. به من اول دکتر حیدرزاده گفتند چکیده پایان‌نامه را به انگلیسی بگو، من هم دو جمله گفتم و گفتند کافی است. بعد دکتر سعیدنیا تقاضا داشت دکتر حیدرزاده چکیده پایان‌نامه را به انگلیسی بگو، من هم دو جمله گفتم و گفتند کافی است. بعد دکتر سعیدنیا تقاضا داشت دکتر خیری گفتند «خودت چی دوست داری بپرسم؟»، من هم گفتم رفتار مصرف‌کننده، که مدل فیشیین و سطوح نگرش را پرسیدند.

6- کلاً زمان مصاحبه همه بیشتر از 7 دقیقه طول نمی‌کشید و البته برای رتبه‌هایی که خوب نبودند، حدود دو دقیقه بیشتر نبود.

7- بعد از اتمام مصاحبه بیرون آمد و وقتی که دکتر سعیدنیا خواستند نفر بعدی را اعلام کنند، گفتند که خوب بوده‌ام و نمره خوبی گرفته‌ام.

8- فضای مصاحبه عالی است، به هیچ عنوان نگران نباشد.

- دکتر حیدرزاده، وظیفه‌دوست، حمدی، عبدالوند، خیری و سعیدنیا حضور داشتند.
زیاد رزومه مهم نبود. از بازاریابی بین‌الملل پرسیدند و خواستند پایان‌نامه را به انگلیسی توضیح بدهم.

- معمولاً دکتر وظیفه‌دوست از بازاریابی بین‌الملل می‌پرسید. دکتر عبدالوند نیز بازاریابی جهانی و گاهی از مدیریت استراتژیک سؤال می‌کرد.

- مصاحبه چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشید، نهایتاً 7 دقیقه. از پایان‌نامه می‌پرسیدند و حتی می‌خواستند که موضوع پایان‌نامه به انگلیسی توضیح داده شود.

تعاریف سطحی از واژه‌های بازاریابی و مقایسه آن‌ها مورد سؤال بود.
به رزومه توجه نمی‌کردند و برای بررسی زمان نمی‌گذاشتند.

بسته به شرایط داوطلبان از آن‌ها سؤال پرسیده می‌شد، از بعضی‌ها از پایان‌نامه نمی‌پرسیدند، سؤالات متنوعی مطرح می‌شد.

- مصاحبه در کل 6 دقیقه طول کشید. از پایان‌نامه و مقالاتم سؤال پرسیدند. اساتید بسیار محترم و باسواند بودند، من فقط دکتر حیدرزاده را شناختم.

مدیریت دولتی

- اصلاً مدارک ارشد و کارشناسی را نگاه نکردند و فقط از من پرسیدند که کجا و چه رشته‌ای و با چه معدلی ارشد خوانده‌ام. فقط مقالات، کتاب، پایان‌نامه و مدرک زبان را دیدند و نمره گذاشتند و سؤالات علمی هم پرسیدند. در آخر یک نفر رتبه‌ام را پرسید و گفت «دوست داری کجا قبول بشی؟»، در جواب پاسخ من که گفتم «علوم تحقیقات»، سؤال کرد که «فقط اینجا را زدی؟» که من گفتم «نه! ولی دوست دارم اینجا درس بخوانم». هیچ یک از مدارکم را هم برای بررسی بیشتر نگرفتند و گفتند همه را ببر. به طور کلی سؤال از پایان‌نامه، مقالات، کتاب، مشخصات فردی و زبان مطرح شد.

- درمورد تفاوت دو روش خطمنشی‌گذاری سیاسی و یک روش دیگر سؤال کردند، با این که این درس جزو دروس آزمون نبود سؤال شد.

- یکی از اساتید سؤالات خطمنشی پرسید که متأسفانه فراموش کرده بودم. یک متن زبان هم دادند که بخوانم و ترجمه کنم، متنی که به من دادند در مورد سیستم بود. در مورد پایان نامه هم در مورد آزمون های آماری به کاررفته در پایان نامه سؤال شد.

- آن طور که اکثريت ما فکر می کنيم نیست. نظرات داوران کاملاً شخصی است و به اين بستگی دارد که در حالت کلی شما را تأييد کنند. مثلاً اصلاً از من سؤال پایان نامه نپرسيدند، دو تن از اساتید فقط روی زبان تمرکز کرده بودند و سؤال پرسيدند که خوشبختانه توانستم جواب بدهم. مقالات خيلي مهم هستند، مخصوصاً اگر ISI باشنند، خيلي مدنظرشان است. در آخر معدل ارشدم را پرسيدند و تمام. فکر نکنيد که از درس خاصی سؤال می پرسند، اين را گفتم که همه جانبه خود را آماده کنيد.

- فقط از تعداد مقالاتم پرسيدند و بعد از نحوه نتيجه گيری از پایان نامه. در گروه من دکتر معمارزاده نبود. مدیريت دولتي نوين يكى از سؤالات مطرح شده در مصاحبه ام بود.

- اولاً اساتید مصاحبه گر شامل دکتر میرسپاسی، دکتر شیروانی، دکتر نجفی بیگی، دکتر ایران نژاد، دکتر دانشور و دکتر فقیهی بودند که در روزهای مختلف ترکیب فرق می کرد. از یک متن تخصصی روخوانی و ترجمه می خواستند. سؤالات بیشتر حول مدیريت دولتي نوين و مباحث و مقالات مرتبط بود. همچنین در مورد پایان نامه ارشد مسلط باشيد.

- سؤالات مصاحبه مدیريت دولتي: پایان نامه، مباحث مدیريت دولتي، متن انگلیسي. دکتر شیروانی مثل هميشه جدي و باسجاد از مباحث متفرقه مدیريت هم می پرسيدند.

- از 3 استاد فقط دکتر نجفی بیگی را شناختم. مصاحبه ده دقیقه بیشتر طول نکشید. دو سؤال راجع به خطمنشی گذاري و مؤلفه های حاكمیت خوب پرسيدند. سابقه تدریس و مقاله به غير از ISI را اصلاً نگاه نکردن. به نظرم مصاحبه خيلي جدي نبود.

- متن انگلیسي از کتابی قدیمي بود. به تلفظ و معنی اهمیت می دادند. من فقط یک خط خواندم و گفتند کافي است. انگار مصاحبه جدي نبود.

- واقعاً اذیت کردن. دائم از منابع انسانی می پرسيدند و روش های اجرایی مبانی تئوريک در کارم را سؤال می کردند. اشتباه من این بود که گفتم شاغلم و کارشناس منابع انسانی هستم.

- جلسه مصاحبه رشته مدیريت دولتي با حضور آفایان دکتر میرسپاسی، نجفی بیگی، ایران نژاد و پالیزی برگزار شد. یک متن تخصصی به زبان انگلیسي می دادند و می خواستند که بلند بخوانیم و ترجمه کنیم. در ضمن چند مقاله در ارتباط با مدیريت دولتي نوين مطالعه بفرمایید. بیشتر سؤالات حول مدیريت دولتي نوين، حکمرانی خوب، دولت الکترونیک و اقتصاد مقاومتی بود.

- مقاله و نتیجه آزمون برایشان مهم بود، ولی مصاحبه هم اهمیت داشت. پیشنهاد می کنم مقاله «مدیریت دولتی در سه نگاه» دکتر میرسپاسی، «سیر تطور مدیریت دولتی نوین» دکتر عباس نرگسیان و «بحران هویت در رشته مدیریت دولتی» ابوالحسن فقیهی را مطالعه بفرمایید. از چالش‌ها حتماً یک سؤال پرسیده می‌شود.

- متن تخصصی برای ترجمه پرسیده شد. دو سه تا سؤال تخصصی از مباحث مدیریت دولتی و رویکردها و به طور اتفاقی سؤال شده بود. بحث‌های متفرقه زیادی برای ارزیابی داوطلبان مطرح می‌شد و فقط به مقالات، کتاب و مدرک زبان نمره می‌دادند. سابقه تدریس جز به چالش کشیدن داوطلبان فایده‌ای نداشت. ولی اساتید واقعاً بزرگمنش و مهربان و صمیمی بودند و اصلاً جای نگرانی نبود. نمره آزمون و محل انتخابی اول هم برایشان مهم بود.

- با من در بدو ورودم انگلیسی صحبت کردند و بعد هم شروع به پرسیدن سوالات تخصصی کردند.

- اعضای مصاحبه‌کننده متشكل از دو گروه سه نفری بودند که یک گروه را دکتر نجفی‌یگی و دو استاد دیگر که نمی‌شناختمنشان به عهده داشتند و گروه دوم عبارت بودند از دکتر فقیهی، حسینی و یک استاد دیگر. من خودم علاقه داشتم مصاحبه‌ام با دکتر فقیهی باشد و از شانس خوبم مصاحبه من با گروه دکتر فقیهی بود، مصاحبه‌ای منطقی با فضایی آرام، مصاحبه را فقط دکتر فقیهی انجام دادند و دکتر حسینی فقط رزومه‌ام را که شامل پایان‌نامه، 6 مقاله کنفرانسی و دو مقاله ISI هندی بود، بررسی کردند. ابتدا از من خواستند که خودم را معرفی کنم و بعد از آن در مورد پایان‌نامه سوالات زیادی پرسیدند که مشکل خاصی نبود. بعد در مورد اولویت‌های انتخابی واحدهای دانشگاهی که انجام داده بودم و این که با وجود شاغل بودن آیا مشکلی برای ایاب و ذهاب نخواهم داشت پرسیدند و در انتهای هم یک متن انگلیسی از یک کتاب به من دادند و گفتند بخوانم و ترجمه کنم که پاراگرافی که به من دادند در مورد عدم اطمینان محیطی بود و من با وجود این که در انگلیسی تسلط نسبتاً خوبی دارم، به طور سلیس متن را خواندم، ولی در ترجمه به خاطر استرسی که داشتم با دستپاچگی معنی کردم. درکل من از زمان‌بندی و نحوه مصاحبه خیلی خوشم آمد.

- متأسفانه برخلاف تصورم که تمام وقتی را روی مباحث مدیریت دولتی آون هیوز گذاشته بودم، بیشتر دکتر میرسپاسی با من مصاحبه کرد و چندین سؤال از منابع انسانی پرسید. با وجود این که بلد بودم، اما نمی‌دانم چرا حضور ذهن نداشتم، شاید به خاطر استرس زیاد در حضور این استاد برجسته یا این که اخیراً مطالب منابع انسانی را مرور نکرده بودم. بعد از مصاحبه تازه مطالب را به یاد آوردم. خوشبختانه ترجمه و روخوانی زبانم خوب بود و دکتر میرسپاسی ترجمه من را تأیید کردند که مطلبی درخصوص مسئولیت اجتماعی مدیران و قابلیت اندازه‌گیری آن بود. راجع به پست‌مدرنیسم و کلاسیک هم پرسیدند که خوب جواب دادم. یک سؤال هم راجع به منحنی زیگما در تعارض پرسیدند که بلد نبودم.

- در مورد پایان نامه گفتند چرا از ضریب پیرسون استفاده کردی؟ گفتم برای بررسی رابطه داشتن یا نداشتن بین متغیرهايم. از آزمون آنکه نمونه‌ای هم پرسیدند که خوشبختانه بلد بودم.

مدیریت دولتی - خط مشی گذاری

- توصیه می‌کنم استرس نداشته باشید و شب قبل از مصاحبه سعی کنید حتماً زود بخوابید و به اندازه کافی استراحت کنید تا روز مصاحبه مثل من دچار سردرد شدید نشوید و احساس تحلیل‌رفتگی نداشته باشید.

۱- مصاحبه من ساعت ۱۰ صبح اعلام شده بود که با تأخیر حدود یک ساعت و نیم همراه بود (با توجه به این که اسمی را بر اساس شماره پرونده‌ای که داشتند صدا می‌زنند).

۲- برای هر رشته یک بخش مجزا در نظر گرفته بودند که شامل اتاق انتظار و اتاق مصاحبه بود.

۳- بعد از این که اسم را صدا می‌زنند، از سالن اصلی و با توجه به راهنمایی کارشناس مستقر به بخش مریبوط به رشته خودم هدایت شدم. در اتاق انتظار شش-هفت نفر از داوطلبان همراهشته خودم حضور داشتند که منتظر بودند برای مصاحبه وارد اتاق مریبوطه بشوند. کارشناسی که آن جا بود تأکید کرد قبل از ورود به اتاق مصاحبه مدارک لازم شامل پایان نامه، کارهای پژوهشی، مدرک تحصیلی و احیاناً گواهی رتبه برتری دوره از نظر معدل در دوره کارشناسی و ارشد، مدارک زبان (تأکید کردن هر نوع مدرک زبان حتی از آموزشگاه‌های خصوصی هم که شده) را آماده کنید و اشاره به گواهی تدریس و توصیه‌نامه اساتید نکردند، که من هم با وجود این که داشتم ارائه ندادم.

۴- بالاخره نوبت من شد و وارد اتاق شدم. سه نفر به عنوان مصاحبه‌کننده که سن نسبتاً بالایی هم داشتند حضور داشتند و من را راهنمایی کردند که کجا بنشینم. یک میز هشت نفره بود که از هر یک از اساتید فاصله حدود یک متر و نیم داشتم. یکی از استاتید را می‌شناختم (دکتر میرسپاسی) که واقعاً با شخصیت است و سوالاتی را هم که پرسیده می‌شد سعی می‌کرد راهنمایی کند).

۵- استادی که روپروریم بود پایان نامه‌ام را خواست و شروع به ورق زدن صفحاتش کرد. استاد دیگری که کنارم نشسته بود، ابتدا از من خواست خودم را معرفی کنم و رشته و دانشگاه محل تحصیل و معدل در مقطع کارشناسی و ارشد و همچنین رتبه کسب شده در آزمون دکتری را بیان کنم. سپس مدارکی را که قبلاً گفته بودند، از من خواستند و بیشتر تأکیدشان روی کارهای پژوهشی بود. من یک مقاله علمی-پژوهشی داخلی برگرفته از پایان نامه داشتم که به شدت از آن استقبال کردند و فکر کنم نمره کامل را دادند و گفتند که اگر باز مقاله داری بده که متأسفانه نداشتم. گواهی رتبه برتری معدل دوره و مدرک ارشدم را نگاه کردن و با توجه به این که معدلم خوب بود، ریزنمرات را نخواستند. یک مدرک زبان از مرکز آموزش زبان دانشگاه تهران در دوره کارشناسی ارائه دادم که بدشان نیامد (توصیه می‌کنم اگر مدرک زبان دارید، حتی اگر از مراکز معترض هم نباشد، با خودتان ببرید. چون اساتید این برداشت را دارند که شما دغدغه فرآگیری زبان را دارید).

۶- بعد همان استادی که کنارم بود، تفاوت مدیریت دولتی و مدیریت خصوصی را از من پرسید که جواب دادم. یک کتابچه مشکی زبان اصلی جلویم گذاشت و گفت این خط را بلند بخوان و من هم خواندم و بعد دست گذاشت روی یک کلمه (Disatnce) و معنی اش را پرسید.

۷- بعد استادی که روپروریم بود گفت چرا این موضوع را انتخاب کردی؟ من هم با توجه به این که روی پایان نامه ام مسلط بودم، می خواستم از اول توضیح بدهم که گفت لازم نیست به جزئیات پیردازی و هدفت را از انتخاب این موضوع بگو. بعد هم پرسید روش اجرای تحقیق چه طور بوده، که من هم شروع کردم به توضیح دادن. ایشان سعی داشتند مرا به چالش بکشانند و مدام می گفتند که موضوع انتخابی شما یک امر بدیهی است و نیازی به این پژوهش نبوده و من هم سعی کردم از موضوع دفاع کنم. بعد دکتر میرسپاسی به کمک آمد و حق را به من داد و از من دفاع کرد، ولی نظر آن یکی استاد را هم نقض نکردند. (فکر کنم می خواستن فضای چالشی برایم ایجاد کنند که قدرت بیان مرا محک بزنند. در کل پیشنهاد می کنم کلیات پایان نامه را بدانید و به آن مسلط باشید. نیازی به حفظ جزئیات نیست).

کل مصاحبه ۷-۸ دقیقه طول کشید.

سؤالات علمی که از باقی داوطلبان پرسیده بودند این ها بودند:

۱- طرح ریزی و برنامه ریزی یعنی چه؟

۲- سطوح خطمنشی گذاری را نام ببرید؟

۳- خطمنشی گذاری عمومی و اداره امور عمومی چه تفاوت هایی با هم دارند؟

۴- معنی لنوی خطمنشی گذاری به انگلیسی چیست؟

مدیریت دولتی – منابع انسانی

- تقریباً همه آمده بودند و از همه هم فقط از پایان نامه پرسیده بودند و یک متن انگلیسی هم می دادند که ترجمه کنیم که اکثریت هم متن را خوب نخوانده بودند. من تقریباً مطالب مدیریت را خوانده بودم، ولی اصلاً در مصاحبه از مدیریت نپرسیدند، فقط موضوع پایان نامه ام را به چالش کشیدند. بعد فهمیدم که برای همه همین طور بوده تا عکس العمل دانشجوها را ببینند. از بیشتر دانشجوها در مورد توانایی پرداخت شهریه سؤال کرده بودند، ولی از من چیزی در این باره نپرسیدند.

- دکتر میرسپاسی و دکتر نجفی بیگی از استادی مصاحبه کننده بودند. کلاً خیلی فضای خوبی بود. سؤال علمی نپرسیدند، بیشتر از پایان نامه سؤال کردند. سؤالات انگلیسی از نظر سختی متوسط به بالا بود، اما در کل خیلی خوب بود.

- زبانم خوب نبود و به همین علت از من ایراد گرفتند. سؤالات تخصصی نپرسیدند، اما پایان نامه ام را به چالش کشیدند و از ادبیاتش و از راهکارهایش سؤال کردند. بعد معدل ارشد و رتبه آزمون را خواستند. اصلاً توصیه نامه و تدریس را امتیاز ندادند. بعد یک کتاب دادند که دو خط خواندم، اما ترجمه را نخواستند. ۴ استاد بودند که هر چهار تا سن بالای ۷۰-۸۰ سال داشتند اما متین

و مهریان و شوخ طبع بودند. از مقالات سؤالی نپرسیدند، گفتند حوصله ورق زدن نداریم و پذیرش هم نمیخواهیم و فقط مقالات چاپ شده مدنظر است.

مدیریت دولتی - رفتار سازمانی

- من که برای مصاحبه رفته بودم دکتر نجف بیگی، دکتر میرسپاسی و دکتر فقیهی برای مصاحبه بودند. چون شاغل بودم، بحث را از سازمانم در خصوص آموزش و ارزیابی عملکرد شروع کردند و معادل روش‌های علمی آن‌ها را که در کتاب منابع انسانی موجود هست، پرسیدند و یک متن زبان دادند بخوانم. رزومه و سایر مدارک را که مرتب در کلاسسور گذاشته بودم توسط یک شخص جوان‌تر در لیستی ثبت می‌شد. پایان‌نامه را در خصوص ادبیات تحقیق و ارزیابی و سنجش متغیرها به چالش کشیدند و نمره پایان‌نامه را پرسیدند. مدرک زبان حتی از آموزشگاه را گفتند ارائه بدھید. در مجموع فضای خوبی بود و اساتید برجسته ایران با لطف و احترام برخورد داشتند.

- از هر کس یک سؤال خاص می‌پرسیدند. بیشتر مباحث رفتار سازمانی و پایان‌نامه بود و یک متن کوتاه هم برای ترجمه دادند. از منابع انسانی هم دکتر میرسپاسی هدف از انتخاب این رشته، نویسنده‌گان کتاب‌های رفتار سازمانی، مباحث رهبری، تعریف و فلسفه رفتار سازمانی را پرسید.

- همه سؤالات از تحلیل و مقایسه مباحث تئوری و رفتار و منابع انسانی بود.

- از رهبری اقتضایی فیدلر پرسیدند. درباره ارتباطات نیز سؤال کردند. یک متن زبان هم برای ترجمه دادند.

مدیریت صنعتی

- کلاً سؤال تخصصی نمی‌پرسیدند، اول مستندات را می‌خواستند و بر اساس آن نمره می‌دادند. بعد پایان‌نامه را نگاه می‌کردند و از آن سؤال می‌پرسیدند. به یک سری از واژه‌ها، روش‌ها و تکنیک‌های رشته خود باید اشراف داشته باشد، چرا که سؤال می‌پرسیدند و اگر هم جواب می‌دادید، آن قدر می‌پرسیدند تا بالاخره نتوانید جواب دهید. داشتن مدرک زبان خیلی برایشان مهم بود و سعی کنید داشته باشید. یک متن جلویتان می‌گذاشتند که بخوانید و ترجمه کنید. چند توصیه:

به هیچ وجه کل کل نکنید.

در مورد چیزی که نمی‌دانید، الکی مستندات ارائه نکنید. اصلاً الکی حرف نزنید و در مورد چیزی اگر اطلاعاتتان کم است، سعی نکنید مطالب نزدیک به آن را آهسته و پیوسته بیان کنید.
زیاد پرحرفی نکنید، ولی آهسته و پیوسته جواب بدھید.
«منم منم» نکنید، چون بهشدت ناراحت می‌شوند.

کارآفرینی

- مصاحبه بسیار خوب و دوستانه بود. سؤالات درسی پرسیدند. منابعی که خوانده‌ام را پرسیدند، چون در صدھایم بالا بود. زبان پرسیدند و چون رزومه کاری مرتبط با کارآفرینی داشتم، تحویل گرفتند. از پایان‌نامه نپرسیدند.

- شرایط مصاحبه خوب بود و استاد خوب برخورد می‌کردند. اما مقاله و مدرک زبان بیشتر از چیزهای دیگر اهمیت داشت. روی مقاله ISI معتبر و شناخته‌شده خیلی حساب باز می‌کردند.
سابقه تدریس و توصیه‌نامه تأثیر چندانی نداشت، ولی نگاهی به آن‌ها انداختند. کل مدارک را بررسی می‌کردند. هر چی که دارید ببرید، بی‌تأثیر نیست.

کارآفرینی - فناوری

- سؤالات مصاحبه من تعریف کارآفرینی، تعریف تکنولوژی، تعریف بازار به انگلیسی، انواع مدل‌های کارآفرینی، آخرین کتاب و مقاله‌ای که در این حوزه خوانده‌ام، سایتهاي معتبر خارجی در این زمینه، در مورد مدل پایان‌نامه‌ام، متغیرهای پایان‌نامه‌ام و این که چرا این موضوع را انتخاب کرده‌ام، بود.

کارآفرینی - سازمانی

- فضای خیلی خوبی بود، بیشتر سؤالات کلی می‌پرسیدند و از پایان‌نامه چند تا سؤال داشتند. ضمن این که یک سؤال پرسیدند که تخصصی بازاریابی بود که باید به انگلیسی تعریف می‌شد. چیدمان استاد خیلی خوب بود، یعنی هم استاد مسن بودند و هم استاد جوان.

کارآفرینی - عمومی

1. زبان در رابطه با تعریف کارآفرین و کارآفرینی و کسب و کار.
 2. از هر حوزه درسی یک سؤال پرسیدند، هم رفتار سازمانی، هم نظریه، هم مبانی.
 3. جو بسیار خوب و صمیمی بود.
- فقط اگه جواب را نمی دانید رک بگویید، و گرنه شما را به چالش می کشند.

مشاوره

- مصاحبه کمتر از نیم ساعت طول کشید. دکتر نورانی بور سؤالاتی می پرسید که کسی نتواند پاسخ بدهد.

- من کاملاً آماده و آرام بودم. اما جلسه شباهتی به مصاحبه نداشت. شش استاد در هر مرحله چهار نفر را صدا می زدند. خیلی کلی بود و هیچ کس فرصت ابراز خودش را نداشت.
 هیچ سؤالی از پایان نامه و انگیزه تحصیل و یا هر گونه جزئیات دیگری مثل انتخاب اول یا تأمین هزینه از هیچ کس پرسیده نشد.
 البته من تحقیق کردم و فهمیدم گروههای دیگر به این شکل نبوده اند.

- چند تا چند تا اسمی را صدا می زدند و بعد رفتیم به اتاقی که یک خانم مدارک را چک می کردند. سوابق شغلی هیچ امتیازی نداشت. مدرک زبان هم من آیلتس داشتم که گفتند زیر ۶ قابل قبول نیست.
 بعد رفتیم داخل یک سالن و منتظر شدیم. یک آقایی آمد و ۴ نفر را صدا زد. به ترتیب خودمان را معرفی کردیم و گفتیم که رشته کارشناسی و ارشدمان چیست و از کدام دانشگاهها فارغ التحصیل شده ایم.
 بعد یک سؤال از نفر اول پرسیدند و به بقیه گفتند نظر شما چیست. ۶ تا استاد بودند و هر کدام یک سؤال پرسیدند.
 یک خانم هم یک کلمه انگلیسی پرسید و از بقیه خواست معنی آن را بگویند و توضیح بدهند.
 دکتر شفیع آبادی هم یک سؤال پرسید که هیچ کس بلد نبود و مرتب می گفت جوابش فقط یک کلمه هست. اصلاً هم پایان نامه هایمان را ندیدند.

- به همه چیز شبیه بود جز مصاحبه. فضا به نظرم مبهم آمد. دکتر شفیع آبادی، دکتر زارعی، دکتر حسینیان و سه استاد دیگر بودند که نشناختم.

بخش سوم:

تجربیات داوطلبان

گروه علوم پایه



- توصیه برای دوستان رشته ریاضی:

- 1- دوستان به هیچ عنوان استرس جلسه مصاحبه را نداشته باشید، حداکثر زمان مصاحبه 10 دقیقه بیشتر طول نمی کشید.
- 2- به هیچ عنوان در مورد انگیزه ادامه تحصیل، کارهای پژوهشی صورت گرفته، پایان نامه ارشد، رتبه های اخذ شده، موضوعات پیشنهادی جهت تزکیتی و ... سوال نمی شد، فقط سوالات علمی پرسیده می شد.
- 3- اساتید مبنای قضاوت شان رتبه کسب شده است و نکته قابل توجه این است که در صورتی که رتبه بالای 50-40 بود، احتمال قبولی در علوم تحقیقات کم بود. اگر رتبه خوب نبود، خیلی سوالات راحت و واضحی پرسیده می شد، اما از رتبه های بهتر سوالاتی پرسیده می شد که معلوم نیست منبع و مأخذ آن کجا بود و انگار به این نیت بود که نتوانیم جواب بدھیم.
- 4- در هنگام بررسی رزومه تعدادی از اساتید، مشغول پاسخ به سوالات اساتید دیگری بودیم، در نتیجه از سابقه علمی خود نمی توانستیم دفاع کنید. بنابراین اگر در رزومه تان نکات مهمی وجود دارد که نیاز هست اساتید به آن توجه کنند، هایلایت کنید.
- 5- ارائه مستنداتی که به آن تسلط نداشتم، دردرس بیشتری ایجاد می کرد. بنابراین از ارائه مقالات، کتاب و توصیه نامه از دروسی که تسلط ندارید، سابقه تدریس و ... موکداً پرهیز نمایید.
- 6- سعی کنید از دوستانی که از جلسه خارج می شوند، مدام نپرسید سوالات چه بوده است، چون در طراحی سوالات محدودیتی وجود نداشت و فقط این استرس به شما وارد می شود که موضوعی را بلد نیستید.
- 7- در ترجمه متن انگلیسی با این که زبان خوب است و در کنکور نزدیک به 40 درصد زدم، به خاطر استرس و چون باید متن را بلند می خواندم، نتوانستم خوب ترجمه کنم، ولی از رتبه های نامطلوب اصلاً زبان نخواسته بودند. (درهنگام بلند خواندن با توجه به فضای مصاحبه و این که تلاش می کنید درست بخوانید امکان ترجمه همزمان وجود ندارد و برگشتن مجدد روی متن با استرس بالا کمک چندانی نخواهد کرد) بهترین کار تمرین بلندخوانی متون تخصصی و ترجمه همزمان است.
- 8- در صورت عدم پاسخ به سوالات تخصصی کنترل خود را از دست ندهید، مخصوصاً دوستانی که رتبه و رزومه خوبی دارند، زیرا سوالات علمی فقط بخشی از نمره مصاحبه و نمره کل را دربرمی گیرد و اصلاً جای نگرانی نیست. از رتبه های خوب سوال سخت می پرسیدند که به ایشان ثابت کنند درست است که این جا قبول هستی، ولی در زمینه کسب دانش و پژوهش راه درازی داری و به خودت مغور نباش. خودم بعد از مصاحبه به یکی از اساتید گفتم چرا سوالات مصاحبه من آنقدر از دیگر دوستان سخت تر و تخصصی تر بود، ایشان گفتند «شما که قبولی همینجا نگران نباش».
- 9- روزهای قبل از مصاحبه از نظر روحی به کارهایی که به شما آرامش می دهد پردازید، در جلسه مصاحبه بیشتر رزومه علمی شما مهم است تا آن چیزی که الان هستید. چون سوالاتی پرسیده می شود که بلد نباشد.

ریاضی محس

- به نظرم مصاحبه سختی بود، کاملاً تخصصی، اما از پایان‌نامه‌ام اصلاً پرسیدند. من احساس کردم چون لیسانس و ارشدم دانشگاه خوب دولتی بودم خیلی به چالش کشیدند، چون برای اکثریت حدود 10 دقیقه طول می‌کشید، ولی مصاحبه من 25 دقیقه طول کشید. یک متن تخصصی هم دادند که خواندم و ترجمه کردم.

ریاضی محس - آنالیز

- واقعاً استرس نداشته باشید. خیلی راحت بود. استاید خوش‌برخورد بودند. از پایان‌نامه و دروس تخصصی سؤال کردند. زبان هم پرسیدند. مصاحبه من بیست دقیقه و شاید هم کمی بیشتر طول کشید. ولی در مجموع نسبت به مصاحبه دانشگاه سراسری خیلی ساده‌تر بود. اصلاً از من هیچ مدرکی نخواستند، حتی مدرک ارشد و ریزنمرات. فقط از من پرسیدند که پایان‌نامه چند شدی؟ خودم هم اضافه کردم که مقاله دارم و نگاهی انداختند و گفتند به سلامت.

- فضای مصاحبه عالی بود. اگر کوچک‌ترین استرسی هم بود، با برخورد خوب استاید رفع می‌شد. از من از پایان‌نامه‌ام سؤال پرسیدند، همچنین سؤالات درسی و اصطلاحات را هم می‌پرسیدند. اصلاً نگران نباشید، همه چیز خوب بود. برای زبان هم اصطلاحات تخصصی زراعت را می‌پرسیدند.

ریاضی کاربردی

- مصاحبه در حد یک سؤال از پایان‌نامه به طور غیرتخصصی و دریافت مقالات و کتاب‌های تألیفی بود. چند سؤال علمی مرتبط با گرایش پرسیدند. کل مصاحبه حدود 15 دقیقه طول کشید. عمدۀ سؤالاتشان حول این موضوع بود که هزینه تحصیل را از کجا تأمین می‌کنی و شاغل هستی یا نه و این که چرا دانشگاه‌های تهران را اول انتخاب نکردی.

زمین‌شناسی

- سؤالات متفرقه زیاد پرسیدند. از پایان‌نامه سؤال شد و متن زبان هم دادند که ترجمه کنیم.

زیست‌شناسی - سلولی مولکولی

- هر نفر 1 ساعت و نیم در اتاق بود. از ساعت 7 صبح تا 12 ظهر فقط از 5 نفر مصاحبه گرفتند. ساعت 1 ظهر نوبت من شد، وقت ناهارشان بود و سریع می‌خواستند تمام کنند. وقتی رفتم داخل اتاق، سریع فقط پرینت درصدهایم را گرفتند. گفتند مقاله داری؟ گفتم نه. جلوی چشمم برایم منفی گذاشتند.

گفتند روزمه پژوهشی داری؟ گفتم نه و منفی دادند.

فقط با یک سؤال من را سنجیدند که ربطی به رشته خودم هم نداشت. دیر شده بود و وقت نبود. استاد دیگری از پایان‌نامه‌ام پرسید. اصلاً موضوع پایان‌نامه‌ام را نگاه نکردن و فقط از صفحه نتایج یک سؤال آماری از جدول از من پرسیدند و تمام، بعد گفتند هدفت از تحصیل در مقطع دکتری را به زبان انگلیسی توضیح بده. چون از قبل آماده کرده بودم، سلیس و روان شروع به حرف زدن کردم، اما وقتی به قسمتی رسیدم که گفتم هدفم از دکتری در نهایت خدمت به جامعه است، ناگهان یکی از استادی گفتند «بسه خانوم، هدفت خیلی بیهوده است!». دیگر آن لحظه اشکم سرازیر شد. گفتم «خدمت به جامعه بیهوده نیست. خب بگم هدفم چیه؟»

گفتند مدرک زبان، گفتم نه و باز منفی گذاشتند.

گفتند پوستر داری گفتم 4 تا پوستر خارجی و 2 تا پوستر داخلی دارم. یکی از استادی گفتند «پیستر درسته، پوستر چیه؟ پوستر را پشت ماشین می‌چسبون. بگو پستر». گفتم «چشم ببخشید شما درست می‌گین».

از من در مورد رشته ارشدم سؤال کردند و من گفتم ژنتیک خوانده‌ام، و بعد یک سؤال سلولی مولکولی از من پرسیدند، اما بلد نبودم سؤال سلولی مولکولی را جواب بدهم. چون برای رشته خودم آمادگی داشتم. گفتم «بخشید، حضور ذهن ندارم». بعد همان استاد داشتند همزمان میوه می‌خوردند و گفتند «بلد نیستی نه؟»، گفتم نه.

میکروبیولوژی

- مصاحبه فضای خوبی داشت. 5 تا استاد بودند، دکتر نژادستاری، دکتر مهرابیان، دکتر اخوان، دکتر کارگر و دکتر زرگر. دکتر مهرابیان پایان‌نامه را بررسی می‌کردند. دکتر زرگر و کارگر مقالات و گواهی سeminar و میزان اعتبارشان و دکتر اخوان امتیازها را می‌دادند و دکتر نژادستاری یک متن انگلیسی می‌دادند تا بخوانیم و ترجمه کنیم.

بعد شروع به پرسیدن سؤالات تخصصی می کردند. از آتنیویتیک‌ها معمولاً از همه سؤال کرده بودند، از چرخه ازت، اپران، لاکتوز ترنسپوزون‌ها، پریون، ویروئید، باکتریوفاژ، پاتوژن‌های ای کولای سالمونلا و سعی کنید از آتنیویتیک‌های هر گروه دو تا مثال بلد باشید، مثلاً مهارکننده سنتز دیواره غشای پروتئین و اسیدنوکلئیک و همین‌طور مثال‌هایی برای سینرژیسم و آتناگونیسم، مثلاً بتالاکتم‌ها و آمینوگلیکوزیدها سینرژیسم هستند و آمپیسیلین و کلرامفینیکل آتناگومیسم.

فقط سعی کنید استرس نداشته باشید و به جلسه مسلط باشید. بعضی‌ها را نالمید کرده بودند که چرا به مصاحبه آمده‌ای و چرا چیزی بلد نیستی. آن‌ها هم خیلی ناراحت شده بودند و اصلاً مصاحبه خوبی نداشتند. در ضمن به پایان‌نامه هم مسلط باشید، از بعضی‌ها سؤال کرده بودند. هر مقاله‌ای هم که دارید حتماً ببرید، همه امتیاز دارند.

- در مصاحبه پنج نفر بودند (دکتر اخوان، دکتر مهرابیان، دکتر کارگر و ...) اول تعداد مقالات، کنگره، معدل ارشد، محل تحصیل ارشد را پرسیدند. چند تا سؤال از پایان‌نامه و مقالاتم پرسیدند، بیشتر ژنتیک باکتری‌ها فاژ تایپینگ، پی‌سی‌آر، باکتری‌های مقاوم به اشعه، تبدیل آنزیم داخل سلولی به خارج سلولی و ترجمه متن انگلیسی. خیلی فضای بدون استرسی بود. برخورشان خیلی محترمانه و عالی بود.

- ۵ نفر تو در رشته میکروبیولوژی مصاحبه می کردند. از من پایان‌نامه نپرسیدند، فقط سؤالات علمی و مقاله برایشان مهم بود.

شیمی آلی

- رأس ساعت هشت صبح مصاحبه شروع شد و اسمی را از بلندگو اعلام کردند. من هم زود نوبتمن شدم. بعد هر ده نفر به سالن انتظار یک بخش منتقل شدیم و مجدداً منتظر شدیم تا صدایمان کنند، من باز هم نفر اول بودم. تیم مصاحبه‌کننده من دکتر عزیزان و دکتر بدرا بودند که با وجود استرس اندک اولیه من، آن قدر مهریان بودند که محیط برای من بدون استرس شد. از من در مورد پایان‌نامه‌ام چندین سؤال شد. رزومه‌ام را مطالعه کردند و از من چند تا سؤال درسی از درس هتروسیکل و آلی پیشرفته پرسیدند. برایشان مهم بود که هتروسیکل بلد باشیم و گفتند که یک شیمیدان آلی باید حتماً هتروسیکل بداند. چون مدرک زبان داشتم، یک سؤال ساده کوتاه زبان انگلیسی پرسیدند. از من NMR نپرسیدند، چون ترکیباتم در پایان‌نامه شناخته شده بود و طیف نداشتم. مصاحبه من خیلی فضای خوبی داشت و یادآوری می‌کنم هوش و اعتمادبهنفس دو چیزی هست که باید در این جلسه نشان بدهید. اگر چیزی بلد نیستید، خودتان را نباید. اگر در جلسه مصاحبه جوابی می‌دهید، با نهایت اطمینان جواب بدهید و تردید در جواب نداشته باشید.

- رزومه را اصلاً نگاه نکردند، توصیه‌نامه، گواهی‌های کارگاه‌ها و ... هیچ چیز را چک نکردند. فقط پرینت درصدهای کنکورم را چک کردند.

- در مصاحبه من هم هیچ یک از مدارک را چک نکردند، در صدهای آزمون را هم چک نکردند.

- مصاحبه بدون آزمون من روز آخر مصاحبه‌های شیمی آلی بود و طبیعتاً افرادی که برای مصاحبه می‌آمدند کمتر بودند و بنابراین خیلی خلوت‌تر بود. اما باز هم سریع صدایمان زدند و به یک اتاق رهنمون شدیم. از من دو خانم نسبتاً جوان و یک آقا مصاحبه گرفتند. فقط از پایان‌نامه پرسیدند و هر آن چه سؤال درسی هم داشتند در لابه‌لای همان پایان‌نامه پرسیدند. از من مدرک زبان و مقاله و اصل مدرک کارشناسی ارشدم را خواستند. یک مقاله انگلیسی شیمی آلی دادند و گفتند دو خط اولش را ترجمه کن.

کلاً بستگی دارد کجا و کدام اتاق افتاده باشی. بعضی از اتاق‌ها مثل اتاقی که روز با آزمون افتادم حتماً سؤال درسی می‌پرسیدند، ولی بعضی اتاق‌ها نه! سؤال‌های مشخصی از مباحث پایه هستند و اساتید می‌خواهند وضعیت کلی شما را بسنجند. نکته مهم هست این است که اعتماد به نفس داشته باشید. خودتان را نبازید. شما قرار است مدرک دکتری بگیرید و چه بسا در آینده در قالب یک استاد دانشگاه باشید. پس از پیچیده کردن سؤال‌ها، زیر سؤال بردن پایان‌نامه‌تان، گول زدن در حین جواب دادن به سؤال‌ها نترسید. این جلسه بیش از این که یک جلسه علمی باشد، یک جلسه روانشناسی است. به خودتان و خوانده‌هایتان اعتماد کنید و توکل به خدا را فراموش نکنید.

- نمی‌دانم چرا این قدر سر یک موضوع، سؤال پیچ می‌کردند. موضوع برای من بدیهی بود، می‌گفتند ثابت کن و علیرغم این که جواب می‌دادم، می‌گفتند از یک راه دیگر!

شیمی تجزیه

- سه اتاق بود، یک اتاق فقط یک نفر بود که رئیس واحد علوم پایه علوم تحقیقات بود، دو تا استاد آقا در اتاق دیگر و در اتاق آخر دو تا استاد خانم بودند. یک استاد خانم، اول از همه وارد اتاق که می‌شدید از مقالات می‌پرسیدند و به مقالات همایشی هم نمره می‌دادند. بعد معدل ارشد را پرسیدند که آن هم نمره داشت. از 5 به من که 16/83 بودم، 3/5 دادند و بعد پایان‌نامه. خیلی دقیق پرسیدند. حتی فن بیانم هم نمره داشت. از معرفی خودمان و پایان‌نامه هم به انگلیسی پرسیدند. کلاً فضای خوب بود.

- سیستم نوبت‌دهی کاملاً ابتدایی و سطح پایین بود. یک آقا نشسته بود و یک کاغذ A4 را به مستطیل‌های کوچک می‌برید و بعد اسم شما را می‌نوشت و یک مهر می‌زد و هر ده نفر (از هر رشته) می‌رفتند داخل. داخل که می‌رفتید برای تجزیه سه تا گروه مصاحبه بود. کسانی که آن روز مصاحبه داشتند، بین این سه گروه تقسیم شدند. هر گروه از سه استاد تشکیل شده بود. یکی از اساتید بیرون می‌آمد و از روی فهرستی که برای آن گروه تعیین شده بود، اسم

می خواند. بنابراین شما نمی توانستید پیش یک گروه دیگر برای مصاحبه بروید، چون فرم ارزیابی شما از قبل دست اساتید مشخصی بود.

کلاً از پایان نامه در حد توضیحات سؤال می شد، نه مثل دفاع.

از من ریزنمرات نخواستند و فقط پرسیدن معدلت چند شده است.

گروه مصاحبه کننده من برخورد خوبی داشتند و اتفاقاً استاد داور و استاد مشاور من را شناختند.

توصیه نامه داشتم، اما به درد نمی خورد، با این که استاد نویسنده توصیه نامه برایشان کاملاً شناخته شده بود.

هیچ چیزی تحويل نمی گرفتند و همه چیز را پس می دادند.

از من خواستند به انگلیسی در مورد خودم صحبت کنم، اما شنیدم به افراد دیگر یک مقاله داده بودند تا بخوانند و برداشت شان از مقاله را بگویند.

کلاً روند ثابتی در جریان نبود و هر لحظه رفتار مصاحبه کننده ها و روند برخورد تغییر می کرد.

سؤال درسی از من پرسیده نشد و فقط در مورد نحوه انجام یکی از آزمایش ها توضیح دادم.

- از من سؤال تخصصی نپرسیدند. مصاحبه ام ۵ دقیقه بیشتر طول نکشید. چکیده پایان نامه ام را گفتم و پرسیدند که زبانت چه طور است و بپرسیم یا نه؟ که من گفتم نه.

- اسمی را از روی فرم هایی که دستشان بود اعلام می کردند. هر کس حاضر بود دعوت به مصاحبه می شد. دو استاد از واحد تهران مرکز بودند که یکی مدیر گروه شیمی دانشکده بود. بقیه را نمی شناختم.

- مصاحبه 8 صبح شروع شد و به ترتیب شماره پرونده اسامی خوانده می شد. می توانم بگویم حدوداً از هر 5 نفر 3 نفر غایب بودند. 3 تیم 3 نفره در 3 اتاق مجزا نشسته بودند. فضای خوب و با احترامی بود. یک نفر سوابق را بررسی می کرد، این طور متوجه شدم که مقاله ISI و مدرک زبان و حتی تسلط به زبان و ترجمه و تأثیف برایشان اهمیت داشت. سؤال ها بیشتر حول پایان نامه و چند درس تخصصی پایه بود. حدوداً هم 20 دقیقه طول کشید.

سؤالات تخصصی که پرسیدند: راجع به کارل فیشر با جزئیات و طرز تهیه محلول پی پی ام. تجزیه 2 پرسیده شد. از پایان نامه هم سؤالات کلی پرسیده شد، مثلاً هدفت از پایان نامه چه بوده است

- من به اتفاقی رفتم که جو خوبی نداشت و زود هم بیرون آمدم. مدارکم را دادم، پایان نامه ام را توضیح دادم و آمدم بیرون. کلی درس خوانده بودم، اما دریغ از یک سؤال علمی. اما از بچه های دیگر پرسیده بودند.

فیزیک



- در کل فضا سنگین بود. خیلی از پایان نامه و درس های تخصصی ارشد سؤال کردند و بعد هم زبان می پرسیدند.

- اساتید مصاحبه کننده دکتر قرآن نویس، دکتر درانیان، دکتر الهی و ۲ تا خانم و یک آقای جوان بودند که من نمی شناختم. اساتید جوان خیلی سختگیر بودند. ولی دکتر قرآن نویس عالی بودند. اول از پایان نامه پرسیدند. یعنی گفتند توضیح بده چه کرده ای. بعد هر یک از اساتید یک سؤال می پرسیدند. از من بیشتر از پلاسمما پرسیدند که سؤالات راحتی بود. یک متن هم دادند که بخوانم و ترجمه کنم که آن هم آسان بود. در کل برای من که فضای خوبی بود.

تعداد غایبین هم کم بود. فکر کنم در کل ۴ نفر نیامده بودند.

مقاله را نگاه کردند، اما چیزی نپرسیدند. البته از بعضی ها خیلی کلی پرسیده بودند. از دروس پایه که اصلاً از کسی سؤال نکردند. از دروس ارشد هم از کوانتم و دینامیک می پرسیدند.

بخش چهارم:

تجربیات داوطلبان

گروه فنی و مهندسی

مهندسی برق

مهندسی برق - الکترونیک

- دکتر مروج در جمع اساتید مصاحبه‌کننده حضور داشتند، استاد دیگری هم بود که فکر می‌کنم دکتر ترک‌زاده بودند. در مجموع 6 استاد در مصاحبه بودند. از پایان‌نامه و مقالات سؤالات کردند. حوزه کاری همه آنالوگ، نور، نیمه‌هادی و VLSI بود. زبان هم یکی از این موارد را می‌پرسیدند: معرفی خود، هدف از تحصیل در مقطع دکتری، چکیده پایان‌نامه و توضیح این که در دکتری می‌خواهی روی چه موضوعی کار کنی.

- 5 نفر مصاحبه‌کننده بودند. دکتر درویش، دکتر فایز، دکتر رزاقیان و دو استاد دیگر که نمی‌شناختم حضور داشتند. پایان‌نامه، مقاله، کارنامه قبولی و ریزنمرات را بررسی کردند. یکی از این سه مورد به انگلیسی پرسیده می‌شد: چکیده پایان‌نامه، معرفی خود، هدف از دکتری خواندن.

- به نکات زیر توجه داشته باشید:

- 1- کمی زودتر در محل مصاحبه حاضر شوید تا استرس کمتری داشته باشید و با فضا آشنا شوید.
 - 2- تمامی مدارکتان را به ترتیب مهم بودن قرار دهید تا چیزی جا نگذارید.
 - 3- در مصاحبه من حدود 6 نفر دور یک میز نشسته بودند و دائم سؤال می‌پرسیدند. آنقدر تندتند سؤال می‌کردند که فراموش کردم بگوییم مقاله سابقیت‌شده دارم. باید روی پایان‌نامهات مسلط باشی.
 - 4- برای سؤال انگلیسی به من گفتند درباره هر چیزی دوست داری صحبت کن. من هم از پایان‌نامه‌ام گفتم. نمره‌های ارشد هم برایشان مهم بود. ضمن این که از من پرسیدند که انتخاب اولم کجاست.
- استرس نداشته باشید و به خدا توکل کنید. یا می‌شود یا نمی‌شود، شما تمام تلاش خود را انجام بدهید.

- اصلاً از طرز برخورد اساتید راضی نبودم. من داشتم سؤال یکی را جواب می‌دادم، دیگری سؤال می‌کرد، فقط گواهی مقاله‌هایم را دیدند و اصلاً خود مقالات را نخواستند. سابقه تدریسم را هم اصلاً ندیدند. خیلی از پایان‌نامه سؤال کردند و خیلی وقت‌ها احساس می‌کردم دارند با کنایه صحبت می‌کنند.

- من هم زمانی که داشتم جواب می‌دادم یکی دیگر از اساتید مدارک را خواست، فکر می‌کنم به خاطر زمان این کار را می‌کردند.

- یکی از استادی خیلی روی پایان نامه بحث کرد و سؤال پرسید. من پاسخ می‌دادم اما درمورد یک سؤال هر چه می‌گفتم، ایشان منظور بند را متوجه نمی‌شد. بعد یک سؤال پرسیدند که من اصلاً درک نمی‌کرم. دائم فکر می‌کدم اشتباه برداشت می‌کنم. بعد که آدم بیرون و فکر کرم، از این که چیز به این سادگی را نتوانسته بودم پاسخ بدhem خیلی حرص خوردم. من مقاله‌های کنفرانسی داشتم. همزمان که داشتم بحث می‌کرم، یکی از استادی گواهی‌های مقالاتم را خواست. من هم سریع روی میز گذاشتم و دوباره بحث را ادامه دادم. ایشان و دکتر مروج دیدند، اما اصلاً چیزی نپرسیدند. آنقدر همه چیز سریع بود که من حتی متوجه نشدم گواهی‌ها بین افراد چرخید یا نه، فقط دیدم دوباره جلوی خودم است! من معدلم بد نیست، اما گفتند «چرا معدلت پایینه؟»، البته گویا به بقیه دوستان هم گفته بودند. گفتم سابقه تدریس دارم، که گفتند نیازی نیست! گواهی‌نامه دوره‌های تخصصی را هم گفتند نمره‌ای ندارد. من احساس می‌کرم می‌خواهند زودتر جلسه تمام شود.

- به خاطر زمان سریع رد می‌شدند، چیزهایی که نمره داشت، زبان و مقاله بود. دوره‌ها و کارگاه‌ها نمره نداشتند. از من فقط دکتر مروج چند تا سؤال از پایان نامه‌ام پرسید. دکتر درویش فقط مقاله‌ها را نگاه کرد.

- بیشتر معدل و مقاله و تألیف کتاب و پایان نامه مهم و نیز چگونگی تسلط بر مباحث مهم بود.

- برخورد استادی خیلی خوب بود. چند سؤال از پایان نامه‌ام پرسیدند. بعد گفتند می‌خواهی روی چه موضوعی کار کنی. سپس خواستند کمی انگلیسی صحبت کنم. آقای درویش در مورد داشتن مقاله سؤال کردند و یکی دو تا از مقاله‌هایم را به آقای مروج نشان دادند.

مهندسی برق - قدرت

- 4 نفر که یکی از آن‌ها خانم بود مصاحبه می‌کردند. تخصص یا علاقه آن‌ها ماشین بود. سؤالات متنوعی می‌پرسیدند و شاید مطالعات قبلی هم پاسخگوی همه سؤالات نبود. درمورد مقاله، کتاب، مدرک زبان و ثبت اختراع هم سؤال کردند. به بعضی‌ها هم گفته شده بود که چند دقیقه به انگلیسی درمورد پایان نامه‌شان توضیح دهند.

- برای مصاحبه همه آمده بودند و حتی یک نفر هم غایب نبود. اما سؤال‌ها بر طبق علاقه‌مندی‌های داوطلب مطرح می‌شد. انصافاً استادی خوبی بودند. اکثر سؤالات به ترتیب زیر بود: تبدیل پارک، مدار الکتریکی، منظور از خازن‌گذاری، تبدیل لاگرانژ، تابع تبدیل انرژی، درجه ژنراتور سنکرون در حالت ماندگار و دینامیکی، توان راکتیو و حالت گذرا. از من بر طبق علاقه‌ام از دینامیک و ادوات facts پرسیدند. درمورد پایان نامه فقط خواستند که توضیح مختصری بدhem و وارد جزئیات نشوم.

بعد از من پرسیدند که مدرک زبان، ثبت اختراع و ... داری؟ نخبه کشوری هستی؟ در جشنواره‌ها اول شدی؟ همه را با قاطعیت گفتم خیر. یکی از اساتید مصاحبه‌کننده خیلی از صداقتم خوشش آمد و از من بابت صداقت و قاطعیتم تعریف کرد.

بعد از من خواستند که بیوگرافی خودم را به انگلیسی بگویم. من هم شروع کردم از صفر تا 50 درصد بیوگرافی‌ام را توضیح دادم که اساتید ابراز رضایت کردند و خواستند که دیگر ادامه ندهم. بعد یک مصاحبه‌کننده دیگر از من خواست که چکیده انگلیسی پایان‌نامه‌ام را بگویم. بعد هم گفتند که دو جمله را برایشان به صورت تحت الفظی ترجمه کنم.

سپس در مورد مقاله‌هایم با هم حرف زدیم و سؤالات خاصی پرسیدند و فکر کنم نمره دادند. از من در مورد این که کجاها تدریس می‌کنم (حق التدریس هستم) نیز پرسیدند و من هم جواب دادم، حتی با خودم لوح تقدیرهایی از طرح دانشگاه یا مدرسه برده بودم و نشانشان دادم و باز نمره دادند. بعد که دیدم جلسه مصاحبه دست من هست، جلسه را از حالت درسی و امتحانی خارج کردم و کشیدم به سمت حاشیه و در مورد مسائل روزمره حرف زدیم.

مهندسی برق - مخابرات

- از پایان‌نامه سؤال پرسیدند. یک متن انگلیسی هم دادند که از روی آن بخوانم. برخورد اساتید خیلی خوب بود.

مهندسی برق - کنترل

- اساتیدی که من می‌شناختم دکتر جاهد مطلق و دکتر حائری بودند. سؤالاتی که پرسیدند: اول این که تبدیل لاپلاس چیست؟ بعد در مورد پایان‌نامه و دلیل انتخاب این موضوع پرسیدند. از تعداد مقالات و مدرک زبان هم سؤال شد و اگر می‌گفتی مدرک زبان دارم، سؤال زبان می‌پرسیدند. خیلی فضا صمیمانه و عالی بود.

مهندسی شیمی

- مصاحبه مهندسی شیمی خیلی خوب بود. چند سؤال از پایان‌نامه پرسیدند که خوب جواب دادم. اسمی از زبان و مقاله نیاوردن. یک سؤال ریاضی هم پرسیدند که گفتم حضور ذهن ندارم. برخورد اساتید خیلی خوب بود، فقط از بنده رتبه‌ام را سؤال کردند. از پایان‌نامه‌ام هم 2 یا 3 سؤال پرسیده شد. با توجه به این که 1 سال سابقه تدریس دانشگاه آزاد را دارم، اصلاً سؤالی نپرسیدند. تخصصی فقط یک سؤال درباره ریاضی، آن هم چون خودم گفتم به ریاضی خوب وارد هستم.

- نام اساتید حاضر در جلسه مصاحبه: دکتر جعفری نصر، دکتر پهلوان زاده، دکتر ارجمند و دکتر حیدری نسب.
مصاحبه سر ساعت برگزار شد، یعنی اگر ساعت ۱۱ برای مصاحبه تعیین شده بود، ساعت ۸ نمی‌توانستید بروید مصاحبه بدھید.
اسامی داوطلبان را صدا می‌زندند و بعد از رفتن به داخل اتاق، پایان‌نامه و مدارک رزومه را می‌گرفتند.
بعد می‌گفتند در مورد پایان‌نامه توضیح بده و بعد هر استادی که به موضوع وارد بود، سوالات جزئی و فنی می‌پرسید.
از تمام بخش‌های رزومه که همراه داشتیم سؤال پرسیده می‌شد.
اگر سابقه تدریس داشتیم، در ابظه با دروسی که تدریس کرده بودیم سؤال می‌شد.
درمورد زبان هم بستگی داشت که در چه سطحی باشی. اگه مدرک داشتیم، سؤال پرسیده می‌شد، اگر نه که هیچ.
کلاً جو خوبی بود و اساتید بسیار خوش برخورد بودند.
 فقط بر پایان‌نامه‌تان و هر چیزی که ادعا می‌کنید و در رزومه قید می‌کنید مسلط باشید.

- ۴ تا استاد مصاحبه‌کننده بود که من دو تا را یعنی دکتر ارجمند و پهلوان زاده را شناختم. رفتار اساتید واقعاً خوب بود. دکتر ارجمند مدارک را بررسی کرد. از من خواستند درباره پایان‌نامه‌ام توضیح دهم و خواستند که در چند دقیقه روش کار را بگویم.
درباره مدرک زبان پرسیدند، بعد چون خود دکتر پهلوان زاده استاد راهنمای ارشدم بود، یک سؤال تخصصی درباره مباحث مربوط به پایان‌نامه پرسید. سابقه تدریس هم داشتم که دیدند و خلاصه بسیار جلسه خوبی بود. در آخر هم من پرسیدم که قبول می‌شوم یا نه که همه گفتند قبولی.

- زیاد سخت نگیرید بیشتر از پایان‌نامه سؤال می‌کنند و سوابق علمی برایشان مهم است و خیلی کم پیش می‌آمد که سوالات درسی بپرسند. سعی کنید اصلاً به خودتان استرس وارد نکنید.

مهندسی صنایع

مهندسی صنایع - اتوماسیون

- ۱۰ نفر به یک اتاق رفتند و ۱۰ نفر به اتاق دیگر. من به عنوان نفر پنجم وارد اتاق شدم. اساتید را زیاد نمی‌شناختم، ولی می‌گفتند با دیروزی‌ها فرق دارند. یک اتاق دکتر سقاوی بودند، اتاق دیگر دکتر موحدی و رشیدی.

- برای من مدارک را اصلاً نگاه هم نکردند و فقط پرسیدن چه داری.

- از 25 نفری که باید حضور می‌داشتند، حدوداً 20 نفر آمده بودند. دو اتاق بود که انتخاب با خودت بود کجا بروی. از سوابق تحصیلی و اطلاعات شخصی پرسیدند، راجع به پایان‌نامه سؤال کردند.

این سؤالات را از همه می‌پرسیدند: در رابطه با اهداف در آینده، این که چرا این رشته را انتخاب کردی و این که چه چیزی از رشته‌های می‌دانی. من این طور پاسخ دادم که چون هم مدرک لیسانس و هم مدرک فوق‌لیسانسم صنایع بود و به این رشته علاقه داشتم، به این رشته آمدم و دلیل انتخاب گرایش اتوماسیون هم این بود که منابع امتحانی گرایش‌ها را بررسی کردم و احساس کردم برای این گرایش آمادگی بیشتری دارم. فکر کنم جواب خوب بود، چون دیگر ادامه ندادند و سؤال نکردند. سؤال درسی هم پرسیدند (از آمار). زبان (مکالمه یا ترجمه متن) فقط از بعضی از دوستان پرسیده بودند. من توصیه‌نامه هم داشتم، اما هیچ مدرکی از من پیش خودشان نگه نداشتند و همه را برگرداندند. فضا کاملاً جدی و محترمانه بود و به نظر من اصلاً دوستانه نبود.

مهندسی صنایع – برنامه‌ریزی و مدیریت تولید

- مصاحبه در دو اتاق برگزار می‌شد. من در اتاق دوم با دکتر رئیسی و دکتر رشیدی افتادم. من و 6 نفر دیگر بودیم. من که داخل اتاق رفتم، دکتر رئیسی از من درباره دانشگاه دوره لیسانس و ارشد، معدل و مدرک زبان پرسید. بعد یک سؤال از روش تحقیق پرسید و گفت یک ژورنال بین‌المللی و یک ژورنال داخلی را نام ببر که من جواب دادم. بعد روی درصدهایی که در آزمون کسب کرده بودم، زوم کردند و پرسیدند که چرا فلان درس را کم زده‌ام و چرا فلان درس را زیاد. بعد درمورد انتخاب اولم سؤال کرد و علت انتخاب آن جا را به عنوان انتخاب اول جویا شد. من هم پاسخ دادم که تهران جنوب و به خاطر قوی بودن و داشتن دانشکده مهندسی صنایع و اساتید برجسته‌ای مثل شما. بعد گفت «مگه منو میشناسی؟». گفتم شما آقای دکتر رئیسی هستید که تهران جنوب تدریس می‌کنید. گفت نه! من هم با اطمینان گفتم مطمئن هستم شما تهران جنوب هستید، قبل از راجع به این دانشگاه مطالعه کردم. خنده دید و گفت «می‌خواستم امتحانت کنم». خلاصه این که مصاحبه خوبی بود. دکتر رشیدی هم کمی راجع به پایان‌نامه پرسید، یک پیشنهاد هم برای تحقیقات آتی به من داد. آخر جلسه هم دکتر رئیسی گفت «معلومه خیلی با برنامه‌ای، ای کاش یک توصیه‌نامه از اساتید تهران جنوب می‌آوردم، شانست خیلی زیاد می‌شد. ولی با این اوصاف شانست ضعیفه!».

- برای مصاحبه دو تا اتاق بود، هر یک را دوست داشتیم انتخاب می‌کردیم. در یکی از اتاق‌ها دکتر رئیسی و دکتر ابراهیم‌نژاد بودند و آن یکی اتاق هم دکتر رشیدی و دکتر خلیلی بودند. من مصاحبه‌ام را به خاطر دکتر رئیسی اتاق اول انتخاب کردم، ولی برای مصاحبه من نبود و بیرون بود. در کل فضای مصاحبه خیلی دوستانه بود. دکتر برادران خیلی کمک می‌کردند، ولی دکتر ابراهیم‌نژاد به چالش می‌کشیدند و وقتی سؤال می‌پرسیدند کاری می‌کردند که به جوابت شک کنی.

از من چون پایان نامه نداشتم، سؤال درسی خیلی پرسیدند و خواستند توضیح بدهم که این پایان نامه ناتمام چه هست. بعد گفتند اگر زبان خوب هست، کمی به انگلیسی صحبت کن و اصلاً هم موضوعش برایشان مهم نبود. از برنامه ریزی تولید زیاد سؤال می پرسیدند، که چون فیلد کاری ام نبود، خوب بلد نبودم، خصوصاً اصطلاحات را. سؤالات آماری هم پرسیدند که جواب دادم.

ضمن این که سؤال کردند چرا مدیریت برنامه ریزی تولید را انتخاب کرده‌ام، چون موضوع مدیریتی نبود. علاوه بر این پرسیدند که اگر بخواهم ادامه بدهم، برای تزم روی چه موضوعی کار خواهم کرد. توصیه می کنم دوستانی که هنوز از پایان نامه شان دفاع نکرده‌اند، مستنداتی از پایان نامه که تا به حال انجام داده‌اند و نیز پروپوالتان را همراه داشته باشند. کارنامه‌های ما را اصلاً نگاه نکردن.

کلاً هر قدر زمان می گذشت زمان مصاحبه‌ها طولانی‌تر می شد و 15 تا 20 دقیقه و برای بعضی‌ها هم بیشتر طول می کشید. از من درمورد سطح زبانم پرسیدند و وقتی که گفتم خوب است، از من خواستند راجع به موضوع دلخواهی صحبت کنم، مثلاً دانشگاه محل تحصیل یا

بعد هم گفتند اگر چیز دیگری هست مثل توصیه‌نامه یا مدرک دیگری اضافه کنم که من هم مدارک گمز و مطلب داشتم و برایشان جالب بود که این‌ها را بلدم. بعد هم خواستند که چند نرم‌افزار بهینه‌سازی نام ببرم. سخت‌ترین سؤال، آخرین سؤال بود که دکتر ابراهیم‌نژاد گفتند «فکر کن وزیر صنایع هستی و باید اقدامی انجام بدی برای صنعت. برای پیشرفت این صنعت بیمار چه می کنی؟».

مهندسی عمران - سازه

- دو گروه بودیم در دوتا اتاق. اساتید برحوردهای خوبی داشتند و فضا دوستانه بود. از پایان نامه و مقاله‌ها پرسیدند، البته خیلی سریع، در حدی که اجازه نمی‌دادند کامل جواب بدهی و سؤال بعدی را مطرح می‌کردند. بعد یک سؤال دینامیک و یک سؤال تحلیل روی تخته نوشته شده بود که گفتند حل کن و من هم تقریباً حل کردم. سپس گفتند هدفت از تحصیل در مقطع دکتری را به زبان انگلیسی بگو و من هم چند جمله گفتم، که سریع گفتند کافی است.

- در مصاحبه خیلی سختگیری می‌کردند و فقط سؤالات درسی می‌پرسیدند.

- از تحلیل سازه سؤالات پیچیده‌ای می‌پرسیدند. سؤالات را باید روی تخته حل می‌کردیم.

- از من دینامیک پرسیدند. روی تخته شکل کشیدند و گفتند ماتریس سختی و جرمش را بنویس و پرسیدند خصوصیات ماتریس سختی چیست؟ از خیلی‌ها به همین شکل تحلیل پرسیده بودند. از طیف‌ها در دینامیک سؤال کردند. درباره نظریه اویلری و لاگرانژی در المان محدود هم سؤال پرسیدند. سؤالات اندکی از پایان‌نامه و مقاله‌هایم پرسیدند. از یکی از داوطلبان درمورد لاپلاس پرسیده بودند. از بعضی‌ها هم از فولاد سؤال کرده بودند. به من هم گفتند دلیل دکتری خواندن شما چیست و این که خلاصه‌ای از پایان‌نامه‌ات را به انگلیسی توضیح بده. پشت هم سؤال می‌کردند و جواب سؤال تمام نشده، سؤال بعدی مطرح می‌شد.

مهندسی عمران - مهندسی و مدیریت ساخت

- اساتید دو گروه بودند، اساتید گروه من شش نفر بودند. رفتارشان دوستانه بود. از پایان‌نامه پرسیدند. مقاله‌ها را نگاه کردند و سؤالات زیاد از آن‌ها پرسیدند. چند سؤال تخصصی هم پرسیدند. گفتن هدفت از دکتری را به انگلیسی بگو. فضا خوب بود. اما گروه دیگر خیلی سختگیر بودند. راستی اول هم یک فرم دادند که مشخصات و نمره پایان‌نامه و اسم استادها را باید در آن می‌نوشتم.

مهندسی عمران - ژئوتکنیک

- از 2 گروه مصاحبه‌کننده گروهی که به سرپرستی دکتر رزمخواه بود، بسیار سختگیر بود و هر نفر را حداقل 20 تا 30 دقیقه نگه می‌داشتند، ولی گروه دکتر گجیان بسیار راحت برگزار شد، حداقل 10 دقیقه.

مجموعه مهندسی کامپیوتر

معماری کامپیوتر

- برخورد اساتید خیلی خوب بود، اما حسابی پایان‌نامه‌ام را به چالش کشیدند. و گفتند نوآوری‌ات در چه بوده؟ در مورد تخصصم پرسیدند و این که جدیدترین چیزی که الان در حوزه تخصصی‌ام وجود دارد چیست؟ مقالات ژورنال ISI و غیر ISI خواستند که نداشتم و درمورد مقالات کنفرانس داخلی گفتند که چندان جاهای معتبری نبوده! علت ادامه تحصیل در مقطع دکتری را از من پرسیدند، به زبان انگلیسی هم سؤالاتی پرسیدند که به خوبی جواب دادم. با این که خیلی مرا به چالش کشیدند، راضی بودم،

چون به نظرم ماهیت مصاحبه همین چالش است. مصاحبه 20 دقیقه‌ای طول کشید، ولی برای همه این طور نبود. برای بعضی‌ها 5 دقیقه هم طول نمی‌کشید.

- مصاحبه‌ام آخر وقت بود و سؤال درسی نپرسیدند، فقط در مورد پایان‌نامه، کم و بیش سؤالاتی پرسیدند. این که مقاله و مدارک زبان داری یا نه را هم سؤال کردند.

مهندسی کامپیوتر - نرم‌افزار

- قبل از مصاحبه، فرمی دادند که اطلاعات زیر باید در آن تکمیل می‌شد:

رتبه؛ شهر انتخابی اول؛ نام و نام خانوادگی؛ تاریخ تولد؛ دعوت به مصاحبه برای رشته و گرایش؛ دعوت به مصاحبه با آزمون یا بدون آزمون؛ آدرس و شماره تماس؛ اطلاعات مربوط به مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد؛ دانشگاه محل تحصیل، عنوان رشته و گرایش تحصیلی، تاریخ شروع و اتمام تحصیل، معدل، عنوان پایان‌نامه، نام استاد راهنمای؛ سوابق پژوهشی؛ مشخصات مقالات ISI به همراه نام ناشر و نام مقاله (کپی مقالات و مجلات پیوست باشد)، مشخصات مقالات غیر ISI به همراه نام ناشر و نام مقاله (کپی مقالات و مجلات پیوست باشد)، تعداد مقالات کنفرانسی (کپی مقالات و کنفرانس پیوست باشد)، مشخصات کتاب‌های منتشر شده (کپی صفحه اول پیوست باشد)، مشخصات اختراعات و نوآوری‌ها (کپی مستندات پیوست باشد).

سپس کارت ملی را چک می‌کردند و برگه‌ای را امضا می‌کردیم (برای حضور و غیاب).

بعد داخل اتاق کامپیوتر باید منتظر می‌ماندیم. اتاق یک در به اتاق مصاحبه داشت. زمان مصاحبه من 8 آقا و یک خانم در اتاق بودند و هیچ کس را نشناختم.

در مورد پایان‌نامه‌ام این سؤالات مطرح شد: موضوع، روش شبیه‌سازی، نوآوری و بعد هم ایرادات مختلفی به پایان‌نامه وارد کردند.

مقالات را هم نگاهی انداختند و شمردند.

سؤالات دیگر:

آیا برگزارکننده همایش بودید؟ گواهی ثبت اختراع دارید؟ کتاب دارید؟
توصیه‌نامه را خواندند.

در رابطه با داشتن مدرک زبان سؤال کردند.

سؤال زبان هم درمورد معرفی خودم به زبان انگلیسی بود.
سؤالاتی که از دیگران پرسیده بودند:

می‌خواهی روی چه موضوعی کار کنی؟ انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چیست؟
اگر کسی سابقه تدریس داشت، سؤالات درسی هم می‌پرسیدند.

- 6 تا 8 نفر نشسته بودند و در مورد پایان نامه سؤال می پرسیدند و بعد مقاله ها را می دیدند و استادی که زمینه کاری مرتبط با مقاله و یا پایان نامه داشت، چند سؤال می پرسید و تمام. اگر مدرک زبان نداشتی، به انگلیسی سؤال می کردند، ولی اگر داشتی، چیزی نمی گفتند.

- تیم مصاحبه 6 نفر بودند، که دکتر سید جوادی و دکتر رحمانی از همه معروف تر بودند. اخلاق و برخورد شان عالی بود. ساعت 5 نوبت به من رسید. استادی هنوز پرانژی بودند و با لبخند سؤال و جواب می کردند.

اول خواستند کامل خود را معرفی کنم. بعد به انگلیسی در مورد پایان نامه ارشد و پیشنهاد تز دکتری خواستند که توضیح بدهم. همزمان مشغول به ارزیابی مدارک من شدم و هر کدام بخشی از مقالات را بررسی می کردند و اگر سؤال یا نکته ای داشتند بعد از صحبت من، می پرسیدند. بعد در مورد رتبه و ترتیب انتخاب هایم سؤال کردند. مصاحبه بین 12 تا 17 دقیقه طول کشید.

- از پایان نامه سؤال پرسیدند ولی از دروس تخصصی و مقالاتم سؤالی مطرح نشد. کل مصاحبه ام کمتر از ده دقیقه طول کشید. از بین استادی، دکتر رحمانی و دکتر رشادی را می شناختم.

- خیلی خوب بود. قبل از مصاحبه، فرمی مثل رزومه پر می کردیم. بعد وارد اتاق مصاحبه می شدیم. از پایان نامه سؤال می کردند. همچنین می خواستند به انگلیسی در مورد پایان نامه حرف بزنیم. یک استاد هم مدارک را بررسی می کرد. استادی حاضر حدود 8 نفر بودند.

مهندسی کامپیوتر - هوش مصنوعی

- 6 نفر از استادی بودند، دکتر تشنلاب، دکتر ستایشی و عصر با حدود 2 ساعت تأخیر وارد اتاق مصاحبه شدم. کلاً 70 نفر به مصاحبه دعوت شده بودند. استادی چون از صبح مصاحبه گرفته بودند، دیگر خسته شده بودند و می خواستند زودتر تمام شود. یکی از استادی 10 دقیقه قبل از مصاحبه من از کسانی که مصاحبه نشده بودند، پرسید که می توانیم فردا برای مصاحبه برویم و هیچ کدام نمی توانستیم. برخورد استادی خیلی جالب نبود.

مهندسی محیط زیست

- فضای مصاحبه واقعاً عالی بود. با این که کسانی که قبل از من به مصاحبه رفته اند، از طرز سؤال کردن استادی و ایراداتی که به مقالات ISI آنها گرفته بودند، شاکی بودند ولی تجربه مصاحبه من بد نبود:

داخل جلسه مصاحبه که رفتم 7 نفر از اساتید حضور داشتند که با برخورد خوب اولیه که از اساتید دیدم، استرسم پایین آمد. اول یکی از اساتید مدارکم را گرفت و رزومه من را برای بقیه خواند و اعلام کرد بدون اغراق رزومه خوبی دارم و از من پرسیدند که سطح زبانم چه طور است و من گفتم تازه شروع به تقویت زبان کرده‌ام. یکی دیگر از اساتید یک سؤال از پایان‌نامه پرسیدند که جواب دادم و دیگر سؤال نپرسیدند و کپی مقالات را به من برگردانند و فقط استادی که مدارکم را بررسی می‌کرد، از من خواستند در صورت امکان دو تا کتاب تألیفی و یک جلد کتاب ترجمه را ایشان بردارند که بهشان دادم.

اگر در مصاحبه قبول هم نشوم، ولی باز هم از برخورد خوبشان واقعاً خوشم آمد.

ضمانت رزومه من بدین شرح بود:

1- کارشناسی عمران با معدل 16 از دانشگاه آزاد

2- کارشناسی ارشد عمران محیط زیست با معدل 18,5 از دانشگاه تهران

3- نمره پایان‌نامه 19,5

4- ISI 6 تا مقاله

5- 7 تا مقاله کنفرانسی

6- 2 جلد کتاب تألیفی

7- یک جلد کتاب ترجمه

مهندسی مکانیک - طراحی جامدات کاربردی

- سؤالات زیادی از پایان‌نامه پرسیده شد. همچنین از دروس ریاضی مهندسی و محاسبات عددی و روش اجزا و زبان سؤال مطرح شد. از من خواستند که به زبان انگلیسی خودم را معرفی کنم و هدفم را از ادامه تحصیل توضیح بدهم. در کل فضا مشتب بود.

مهندسی مکانیک - تبدیل انرژی

- از من سؤالات درسی زیادی پرسیدند، حدود نیم ساعت. از سیالات و کمی محاسبات سؤال کردند و از من خواستند به انگلیسی راجع به پایان‌نامه صحبت کنم. چیزی در ارتباط با رتبه نگفتند. ریزنمراتم را نگاه کردند و هر یک از اساتید به طور مجزا برای خودش نمره داد.

بخش پنجم:

تجربیات داوطلبان

گروه کشاورزی


زراعت

- از آسانسور که بیرون آمدیم، داوطلبان زیادی از رشته‌های مختلف در سالن نشسته بودند که هر راهرو مربوط به یک رشته بود. بعد که صدای زدن، داخل اتاق می‌رفتیم، دو تا اتاق روبه‌روی هم که هر اتاق حداقل ۳ نفر بودند. توی یک اتاق پایان‌نامه را گرفتند و موضوع را نگاه کردند و در خصوص آن موضوع سؤال پرسیدند و بعد از پایان‌نامه سؤال کردند که از من بیشتر از قسمت آماری پرسیدند و نمره دادند. البته از ۱۰۰ نمره مصاحبه، حدود ۳۰ نمره مربوط به پاسخگویی سؤالات و نحوه برخورد و شیوه گفتار و ... بود. ۴۰ نمره مربوط به کارهای پژوهشی و ۳۰ نمره مربوط به محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی و معدل و ... بود. در اتاق بعدی کمی زیان پرسیدند، البته بسته به مدرک زبانی که داشتیم، سؤال می‌پرسیدند و اگر کسی مدرک نداشت، سؤالات ساده‌تری می‌پرسیدند.

بعد به مقالاتم امتیاز دادند. اصلاً نگران نباشید، برخورشان خیلی عالی بود.


علوم و صنایع غذایی

- یک کتاب تخصصی به انگلیسی دادند و گفتند بخوان و ترجمه کن. بعد هم گفتند در مورد نحوه نگارش پایان‌نامه به انگلیسی توضیح بده. دکتر سیدین و دکتر قوامی و دکتر میزانی و دکتر هنرور و دو تا استاد دیگر که از علوم تحقیقات نبودند در مصاحبه حضور داشتند. سؤالات حول پایان‌نامه و مقالات و زبان می‌چرخید. جو مصاحبه دوستانه بود و آرامش وجود داشت. حتی دکتر سیدین شوخی هم کرد چند بار و همه خنده‌دند.

- به جز سؤالات زبان فقط از پایان‌نامه‌ام و روش کارم سؤال پرسیدند. به پایان‌نامه مسلط باشید. سؤال از درس‌های تخصصی در کار نبود.

- همه چیز خیلی مرتب و منظم و سر وقت بود. سؤالات مصاحبه در مورد پایان‌نامه بود. بعد یک کتاب انگلیسی دادند و گفتند با صدای بلند بخوان و ترجمه کن. در کل همه چیز خوب بود. فقط چکیده انگلیسی پایان‌نامه‌تان را حفظ کنید و بلد باشید.

بخش ششم:

تجربیات داوطلبان

گروه هنر

شهرسازی

- زیاد سخت نبود. فقط از من خواستند که بخشی از پایان نامه ام را از فارسی به انگلیسی ترجمه کنم و یک سری سؤال در خصوص پایان نامه و مقالاتم پرسیدند.

بخش هفتم:

تجربیات داوطلبان

گروه دامپزشکی

بهداشت مواد غذایی



- فضا خیلی صمیمی و خوب بود. خانم دکتر کریم، آقای دکتر رکنی، آقای دکتر میرزایی و دکتر شاکری مصاحبه کننده بودند. خانم دکتر یک پارگراف را می‌دادند با صدای بلند بخوانیم که لهجه را بشنوند و می‌خواستند که ترجمه کنیم. آن هم خیلی ساده و خوب بود. آقای دکتر میرزایی لبیات پرسیدند. آقای دکتر رکنی گوشت پرسیدند و دکتر شاکری هم فقط رزومه را نگاه کردند. در مجموع من خیلی از برخوردهای خوب شدم.

- از من پرسیدند چرا اول علوم تحقیقات را زده‌ام، من هم گفتم چون محل زندگی‌ام کرج است و همسرم هیأت علمی دانشگاه تهران، دکتر میرزایی از تبریز آمده بودند، سمت راست خانم دکتر نشسته بودند و لبیات پرسیدند که به جز یک مورد بقیه را جواب دادم. خانم دکتر زبان پرسیدند که آن هم خوب بود. دکتر رکنی هم در مورد سوسیس و کالباس پرسید که آن را هم جواب دادم. دکتر شاکری فقط رزومه را نگاه می‌کرد و سؤال نپرسید.

- از من هم پرسیدند کجا را اول زده‌ای، گفتم علوم تحقیقات، ولی باز دکتر شاکری پرسید. دکتر میرزایی درباره شیر خشک پرسید، سه نوعش را گفتم، ولی راه شناسایی‌اش را نه. دکتر رکنی هم آزمایش‌های سوسیس و کالباس و هیستوپاتولوژی‌اش را پرسیدند، اما یادم نبود. متن خانم دکتر را خوب خواندم و خط آخر را ترجمه کردم و معنای caning و preserve را پرسیدند. بعد گفتند «وینیجر» چیست، نمی‌دانستم، فکر کردم تویی متن انگلیسی است، اما گفت نه اینجا نیست، دیدم زبانت خوب است، گفتم ببینم بلدی یا نه. دوباره گفت «اسپایس» چیست؟ باز نگفتم، گفت ادویه، باز گفت روغن زیتون به انگلیسی چیست؟ زبانم نچرخید بگویم. خیلی بد شد. گفتم مدرک EPT من فردا آماده می‌شود و بزرگواری کردن و به دکتر شاکری آرام گفتند بزنید دارد.